

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۴۸

جمعه ۲۳ اسفند ۱۳۹۲، ۱۴ مارس ۲۰۱۴

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

شکوفائی اقتصادی برای چه کسی؟

اندر درماندگی شمیر و سرنیزه!

پیام، همان پیام آور است!

صفحه ۴

۸ مارس امسال در ایران

شهلا دانشفر

صفحه ۸

همراه با فعالین حزب در

۸ مارس

صفحه ۵

سخنرانی مینا احدی در تورنتو کانادا

صفحه ۱۱

ترجمه سخنرانی سوسن صابری در تجمع ۵۰۰۰ نفره شهر گوتنبرگ (سوئد) به مناسبت هشت مارس

صفحه ۱۲

سخنرانی شهناز مرتب در مراسم هشت مارس در شهر کلن آلمان

صفحه ۱۳

کسی که مشت به آسمان می کوبد!

کیوان جاوید



صفحه ۲

حرکت موجی از قدرت و شادی را به دور دست ترین نقاط جهان مخابره کرد. با این وجود این نبرد دو سویه بود. آن سوی کمپ افتان و خیزان و بعضا خجولانه هشدار داد. ...

به مریم نمازی نزدیک
نشوید!

اگر نگران "سلامت اخلاقی" خواهر و مادر و زن و دخترتان

حرکت جهانی مریم نمازی در پاریس يك بار دیگر قدرت و عظمت جنبش نوین آزادی زن را به نمایش گذاشت. حرکتی که ۸ مارس، روز جهانی زن را به تهران و سندج و هند و مصر و تونس وصل کرد و اعلام نمود که با شجاعت و قدرت تمام اسلام سیاسی و عقب ماندگی فکری و فرهنگی را به زمین گرم می کوبد و پشتش را به خاک می مالد. این

ونزوئلا: جنون، کودتا یا انقلاب؟

مصطفی صابر



صفحه ۳

وقایع ونزوئلا نیست. مادورا، رئیس جمهور و جانشین چاوز، تظاهرات های يك ماهه اخیر که در سراسر کشو جریان داشته و ابعاد وسیعتری میگیرد را "کودتای آمریکایی" میخواند. (تعبیری که احتمالا بسیاری از فرقه های چپ های سنتی بیشتر به آن تمایل داشته باشند). اما حقیقت این است که مقامات آمریکایی با درجه ای احتیاط با

"ونزوئلا وارد يك انقلاب نشده، دیوانه شده است!" این نقل قولی از مباحثات بین جریانات چپ بر سر اینکه انقلابی در ونزوئلا جریان دارد یا نه، نیست. عبارت پایانی و نتیجه گیری مقاله ای از نیویورک تایمز است که دوشنبه این هفته تحت عنوان "ونزوئلا دیوانه میشود"، در سایت آن روزنامه منتشر شد. البته "جنون" تنها تعبیر از

ملی اسلامی ها و برگزاری هشت مارس

شهلا دانشفر



صفحه ۱۰

شهروندی زنان" و "موسسه اسلامی زنان" این مراسم را فراخوانده بودند. برایم جالب بود. برآستی هیچ کجا مثل ایران نیست. راستها هم در برابر هشت مارس تسلیم شده اند. جنبش رهایی زن و در راس آن چپ و رادیکالیسم آنچنان جلو رفته است که حتی جریانات اسلامی را نیز به جایی رسانده است که از هشت مارس بعنوان روز جهانی زن سخن میگویند. تلاش های

گزارشی از برگزاری مراسم هشت مارس در تهران را دیدم، با کنجکاوای خبر را دنبال کردم و ببینم خبر چیست. دیدم گزارش از سایت "مدرسه فمینیستی" است و خبر حاکی از این بود که جمعی از زنان به مناسبت هشت مارس روز جهانی زن، در خیابان هدایت تهران گرد آمده و این روز را گرمی داشته اند. یکباره لیست دعوت کنندگان این کنفرانس توجهم را جلب کرد. "کانون

کسی که مشت به آسمان می کوبد!



می دهند و تهدید می کنند که فرهنگ حاکم و جان سخت ۲۵۰۰ ساله را با خود نخواهید داشت، فرهنگ آغشته به اسلام و مذهب را با خود نخواهید داشت. شما هم باید کمی همرنگ جماعت شوید.

او را تنها بگذارید!

مریم نمازی دادگاه های شریعه در انگلستان را به چالش کشیده است. می گوید "یک قانون برای همه". می گوید با کمک و یاری جهان متمدن دست مذهب را در اروپا و همه جهان کوتاه می کنیم. می گوید زنان در کشورهای اسلام زده را تنها و به امان خدا و اسلاميون و مرتجعین رها نمی کنیم. می گوید فرهنگ منحن اسلامی و شرق زده و مردسالار را در خیابان و جلوی چشم همه جهانیان به چالش می کشیم. او اینها را می گوید؛ کسی که نسبت فرهنگی و تبدیل کردن فرهنگ به غربی و شرقی و ملی

واپس گرا و مرتجعین مذهبی و اسلامی قرار نگیرد، جدا هشدار می دهیم از مریم نمازی دوری کنید. او به سیم آخر زده است. بدنش را در معرض دید جهانیان قرار می دهد. تصویر الله را از پرچم حکومت اسلامی جدا می کند و آلت جنسی اش را به آن می چسباند. پستانهایش را در معرض دید مردم می گذارد و می گوید نه تنها شرم نمی کند، که می خواهد به این وسیله دشمنان زن و بشریت را به چالش بکشد. از او دوری کنید. کودکان شما بدآموز می شوند. زنان و دختران و ناموس شما و ناموس جامعه شما و ناموس سازمان شما و ناموس فرهنگ شما دود می شود و به هوا می رود. می گویند اگر خواهان حمایت مردم اید و نمی خواهید منزوی شوید، از شخص مریم نمازی و اعمالش اعلان برائت کنید. یا سرتان را پائین بیندازید که موج بگذرد. هشدار

هستید؛ شما که مذهب عزیز یا غرور ملیتان جریحه دار می شود؛ فرهنگ آبا اجدادی تان زیر ستون می رود، آری با شما هستیم! به او نزدیک نشوید!

به مریم نمازی نزدیک نشوید!

بچه های تان، خصوصا دختر بچه ها را از او دور کنید. این هشدار است. کودکان شما باید عقیق و پاکدامن و سربراه باشند. باید یاد بگیرند که زن باید نجیب باشد. زن باید در حاشیه باشد. باید یاد بگیرند زن حق ندارد پایش را بیشتر از اندازه تعیین شده در زندگی سیاسی و اجتماعی دراز کند. باید به فرهنگ ۲۵۰۰ ساله و به فرهنگ ۱۴۰۰ ساله احترام بگذارد. زن باید یاد بگیرد بدن او در انحصار مردی است که تصاحبش کرده است.

از مریم نمازی دوری کنید!

اگر به فکر آبروداری سیاسی هستید. می خواهید آرام بیایید و آرام بروید، طوری که گریه شاختن نزنند و سازمان و گروه و انجمن و محفل و دسته شما مورد تعرض "فرهنگ سازان"

زنند؛ اگر زنان را در اسارت و بردگی گرفتار کرده اند؛ اگر سنگسار و اعدام میکنند؛ اگر بمب می گذارند و شلاق می زنند و باج می خواهند، باید در همین ابعاد در خیابان و در برابر چشم جهانیان با سلاح انسانیت و با سلاح سکولاریسم و آزاداندیشی به جنگ این جانپان رفت. نباید ترسید و سنگر خالی کرد. نباید به فرهنگ عقب مانده و واپسگر باج داد. باید در خیابان جنگید و رو در روئی این دوازدوگاه متخاصم را در برابر جامعه به نمایش گذاشت.

از نظر اسلام و همه مذاهب، زن با گناه زاده شده است. یکی از اشیاء و اموال مرد است. برده و فرمانبردار است. زن باید در کنج خانه اسیر باشد. باید بشوید و بپزد و سرویس جنسی بدهد و تجاوز شرعی و قانونی و عرفی بشود. این سلاح را نمی شود با پند و اندرز و نصیحت از این جنبش سیاه ماقبل تاریخ باز پس گرفت. باید با همه وجود و با همه اعتقاد به آزادی انسان

تجسم قدرت ما!

اما این مریم نمازی است، که با پرچم انسانیت و زندگی به جنگ ارتجاع رفته است. این مریم نمازی است که قدرت کلام و قدرت بسیج او پشت ارتجاع را می لرزاند. و این ما هستیم! صف میلیونی انسانهای تشنه آزادی، برابری و تمدن بشری. از ایران تا قلب پاریس تا همه جای دنیا.

این مریم نمازی است که آب در خوابگاه اسلام سیاسی و جنبش اسلام سیاسی ریخته و خواب از چشمان حکومت اسلامی ربوده است. مشت به آسمان می کوبد و آنچنان بر طبل مبارزه با ارتجاع می کوبد که خواب کل ارتجاع را به کابوس تبدیل کرده است.

اگر اسلاميون مرتجع و ضد بشر برای مرعوب کردن کل جامعه دست به وحشی گیری و تبلیغ علنی ارتجاع اسلامی می

و با همه اعتقاد به آزادی انسان بپا خاست و جنگید. آینده ما و کودکان ما، آینده بخش اعظم بشر که اسیر دست حکومت های مذهبی و جریانات ضد تمدن اسلامی اند، در گرو این جنگ رو در رو است. بقول فریبرز پویا: "گروگانگیری جنسی و بدن انسان، بخصوص زن شرط کنترل و محدود کردن زنان است. این البته جزء جدائی ناپذیر از بردگی فکری و اجتماعی است". همچون میلیون ها نفر که با همه وجود مبارزات مریم نمازی و جنبش خلاصی فرهنگی؛ و جنبش برای خلاصی از شر حکومت اسلامی را مورد حمایت قرار میدهند. به صف این مبارزه عظیم اجتماعی پیوندید!

ارتجاع را منزوی تر کنید. به مریم نمازی نزدیکتر شوید و به جنبشی که او پرچمدارش است پیوندید!*

آزادی زن ملاک آزادی جامعه است

ونزوئلا: جنون، کودتا یا انقلاب؟

وقایع ونزوئلا برخورد کرده اند و از حمایت کلی و محکوم کردن برخورد های خشن دولت مادورا چندان فراتر نرفته اند. شاید علتش همان "دیوانگی" باشد که "رافائیل اوسیو کابریکس" نویسنده نیویورک تایمز که خود ساکن کاراکاس است، به آن اشاره کرده و چندان به مذاق راست خوش نمی آید.

رافائیل شکوه میکند که: هنوز هیچ جریان شناسنامه دار و موافق مبارزه قانونی نتوانسته رهبری این اعتراضات که نیروی عمده آن دانشجویان و جوانان هستند را بدست بگیرد. "رادیکال" ها دست بالا دارند و قطعا صدایشان پیش از همه شنیده میشوند. "اضافه میکند: "تظاهرکنندگان بحران سیاسی را ایجاد کرده اند که کمتر برای دولت و بیشتر برای اپوزیسیون آن بحران زاست. اپوزیسیونی که تازه داشت یک ائتلاف تشکیل میداد اکنون دچار انشقاق شده است". بدین ترتیب میتوان حدس زد که رافائیل عزیز ما شباهت هایی به اصلاح طلبان وطنی دارد و نگران این است که میداننداری "رادیکال" ها کار مبارزه قانونی و "اصلاح طلبانه" برای تغییر دولت مادورا را خراب کند. یعنی بهانه به دست مادورا و نیروی سرکوبگرش (شبیه اصولگرایان و "انحصار طلبان" وطنی) بدهد و همان "دموکراسی نیم بند ونزوئلا" نیز بر باد برود. یعنی همان استدلال تکراری و نخ نما و ریاکارانه ای که از جماعت "لیبرال"، "اصلاح طلب" و نظیر آنها بارها شنیده ایم.

اعتراضات اخیر در ونزوئلا از ۴ فوریه و در پی مرگ دانشجوی دختری شروع شد که قربانی تجاوز شده بود. با عکس العمل شدید قوای دولتی در سرکوب اولین اعتراض دانشجویان به این قتل و جنایت، موج وسیعی از اعتراضات دانشجویی و جوانان و

باریکاد بندی خیابانها، همچنین تظاهرات های گاه توده ای و عظیم و صف های قابلمه کوبی و غیره برخاست که بسرعت به کاراکاس و همه شهرهای اصلی ونزوئلا سرایت کرد. اوضاع اقتصادی در ونزوئلا علیرغم منابع بسیار سرشار نفت بشدت وخیم است. تورم بالای ۵۵ درصد است. اقلام اساسی نظیر نان و شیر و حتی دستمال توالت گیر

ونزوئلا در این جریانات کشته شده اند. علاوه بر تظاهرات ها، باریکاد بندی در خیابانها، همچنین در تویتر و میدیای اجتماعی جنگ تبلیغاتی وسیعی بین مخالفین و مدافعین دولت مادورا (که هنوز حمایت بخش هایی از اهالی را بویژه در مناطق فقیر نشین دارد) جریان دارد.

نویسنده نیویورک تایمز بعد از اشاره به اغلب فاکت های فوق

میگوید "ونزوئلا وارد یک انقلاب نشده، دیوانه شده است".

برخی مشاهدات و پیش بینی های رافائیل اوسیو کابریکس بخصوص در کوتاه مدت حتی میتواند صحیح باشد. اما چیزی که در این میان چه برای راست (از جمله رافائیل مورد بحث ما) و همینطور به اصطلاح "چپ" (که با چهار دست و پای "کودتای آمریکا" و حتی دفاع از "میراث چاوز" پایین می آید) غایب است، جوهر و محتوای واقعی و تاریخی اعتراضات کنونی در ونزوئلا است.

آنچه که در ونزوئلا میگذرد



محتوای تاریخی و جهانی یکسانی با آنچه دارد که در مصر و تونس و سایر انقلابات خاورمیانه، جنبش اشغال، تظاهرات های انگلیس و یونان و اسرائیل و اوکراین و ترکیه و برزیل و غیره در چند سال گذشته رخ داده و یا اکنون جریان دارد. این محتوای یکسان عبارتست از اعتراض نسل جدید به اوضاع موجود، به فقر و فلاکت، به سرکوب و بی حقوقی، به حاکمیت یک درصدی ها.

همه این حرکات که بعضا نام بردیم نشانه ها و بروازات یک جنب و جوش انقلابی و اعتراض جهانی به اوضاع فلاکت باری است که با سقوط شوروی و پایان دنیای دو قطبی شروع شد و برای قریب به سه دهه کل جهان را غارت کرد و درهم کوبید و به

نتیجه گیری جالبی میکند: "با این همه این بهار ونزوئلا نیست". ادامه میدهد: هیچ جریان ساختار داری مثل "اخوان المسلمین" اینجا نیست که از تظاهرات کنندگان حمایت کند و بتواند جایگزین رژیم چاویستی شود. ارتش هم محکم پشت مادورا است. مادورا فعلا وقت میخرد تا "اکثریت خاموش" از این تظاهرات ها و باریکاد بندی ها و جنگ و گریزها که زندگی را مختل کرده خسته شوند، تا آنوقت این حرکت را سرکوب کند و با پولهایی که از چین میگیرد اقتصاد را راه بیندازد. اما در عین حال حتی سرکوب خونین این حرکت نیز به تداوم خشونت و جنایت و فقر و به اعتراض و طغیان پایان نمی دهد. و اینجاست که نهایتا نتیجه

خفقان و قهقرا فرو برد. بر متن بحران اقتصادی ۲۰۰۸ و با اعتراضاتی که دست بر قضا از ایران شروع شد و سپس به تونس و مصر و از آنجا به سایر نقاط جهان کشیده شد و در سال ۲۰۱۱ به اوج خود رسید، قطعا یک دوره سیاه و طولانی تمام شد و دوره جدیدی آغاز گردید که وجه مشخصه اش دخالتگری مستقیم و فعال مردم و بویژه نسل تویتر و فیسبوک در اوضاع است. چه طرفداران چاوز و چه اپوزیسیون مخالف او هر دو به آن دنیای قدیم تعلق دارند و آنها که امروز در خیابانهای کاراکاس و سایر شهرهای ونزوئلا به میدان آمده اند به این دنیای جدید و به این صف انقلابات دهه اول قرن بیست و یک تعلق دارند. تعجبی ندارد اگر معترضین "رادیکال" نه مادورا و سنت چاوز را میخواهند و نه به اپوزیسیون او اعتمادی دارند. آنها نیروی سومی هستند که دنیایی یکسره متفاوت را میخواهند که از همه یک درصدی ها، اعم از اینکه در هیات وال استریت، یا امثال خامنه ای و اردوغان و مادورا و اسد و پوتین و غیره باشد خلع ید شود و اختیار مستقیما در ید ۹۹ درصدی ها قرار گیرد.

همه مشکل در اینجاست که این صف عظیم و جهانی، این نیروی عظیم انقلابات قرن بیست و یکمی متأسفانه سازمان و رهبری لازم را ندارد. در نتیجه اقدام و حرکت و کوشش و انرژی انقلابی اش نمی تواند تماما به ثمر بنشیند. این از نظر مفسرینی که به دنیای قدیم و تاریخ مصرف به سر آمده تعلق دارند (اعم از راست و چپ) میتوانست "جنون"، "ارتجاع"، "کودتا" و یا هر چیز دیگری نام بگیرد. اما اگر آمیدی به تغییر دنیا هست اساسا در این است که این انرژی و تلاش و جنب و جوش عظیمی که تا همینجا هم همه معادلات سیاسی را به هم ریخته، افق روشن و سازمان سامان سیاسی خاص خود را پیدا کند و کره زمین را برای همیشه از شر یک درصدی ها و نظام بردگی مزدی شان رها کند. * (۱۲ مارس ۲۰۱۴)

یادداشتهای هفته

حمید تقوایی

اندر درماندگی شمشیر و سرنیزه!

"شکوفائی اقتصادی برای چه کسی؟"

"امور فرهنگی را نمی‌توان با شمشیر و سرنیزه پیش برد" آملی لاریجانی رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی رئیس قوه آدمکشی جمهور اسلامی این حرف را از روی تجربه میزند! بیش از سه دهه است که زده اند و بسته اند و اعدام و سنگسار کرده اند و "امور فرهنگی" شان بجائی نرسیده است. زنان روزبروز بدحجاب تر شده اند و فیلم و موزیک رقص و شادی و آنتنهای ماهواره ای و دیگر مظاهر "هجمه فرهنگی غرب" گسترده تر و پر مشتری تر شده است. بخصوص هر سال وقتی به چهارشنبه سوری و عید نوروز نزدیک میشویم این ناکارائی شمشیر و سرنیزه بیشتر خودش را نشان میدهد. جناب رئیس قوه قضائیه در آخر سخنانش به این اشاره میکند که "بخاطر مصادف شدن تعطیلات نوروز با ایام فاطمیه لازمست مردم در سفرها

و دید و بازدیدهای نوروزی حرمت ایام حزن اهل بیت را رعایت کنند! البته ایشان این نکته را هم باید اضافه میکرد که "حرمت ایام حزن اهل بیت" رابطه مستقیمی دارد با "ثروت اهل بیت رهبری" و از این نظر هم رعایتش بر همه واجب است! اما خودشان هم میدانند که این توصیه ها با شمشیر و سرنیزه از کار افتاده بجائی نمیرسد. بیگمان مردم این نوع تاکیدات و توصیه های آیت الله های میلیاردر را به فراخوانی برای جشن و شادی بیشتر ترجمه خواهند کرد و نگرانی رئیس قوه قضائیه نیز دقیقاً همین است! واقعیت اینست که نه ایام عید و چهارشنبه سوری با ایام حزن و سوگواری اسلامی خوانائی دارد و نه کلا فرهنگ حکومت اسلامی با فرهنگ توده مردم! راه حل چیست؟ یا باید مردم حکومت را سرنگون کنند و یا حکومت مردم را! راه سومی نیست! *



"بد حجابی" به وسیله اعتراض به کل حکومت تبدیل شده است.

این واقعیت اعتراض عریان را از صرف یک تاکتیک و شیوه مبارزه فراتر میبرد. اعتراض عریان نقد عملی مذهب و اخلاقیات کپک زده مذهبی و شوونیستی و ارزشهای نرینه سالارانه ایست که زن را تنها بعنوان اسباب لذت بردن مرد و بعنوان یک کالای جنسی می بیند و برسمیت می شناسد. این اعتراضی است که بدن زن را از موضوع عکسها و فیلمهای پورنو، از پستوی ناموس مردان خانواده، و از تابوها و قید و بندهای مذهبی و اخلاقی رها میکند و به میدان مبارزه میکشاند. هدف این اعتراض در خود این اعتراض نهفته است.

مارشال مک لوهان، تئوریسین سرشناس علوم ارتباطات و رسانه ها، گفته معروفی دارد که "پیام، همان پیام آور است." این گفته در مورد اعتراض عریان نیز کاملاً صدق میکند. سینه برهنه ای که بر آن نوشته شده "زن = مرد" خود یک نماد عملی این برابری است. *

آنچه باید برای کارگران و توده مردم روشن باشد این واقعیت است که "رشد و شکوفائی" اقتصادی در جمهوری اسلامی بجز سپردن مقدرات توده کارگر و کارکن بدست قوانین وحشیانه بازار و ملزومات سود و سودآوری سرمایه معنائی ندارد. نسخه ریاضت کشی اقتصادی بانک جهانی و صندوق بین المللی پول در همه جای دنیا به معنی حذف خدمات اجتماعی، حذف بیمه بیکاری و بهداشت و بیمه سالمندی و غیره، بخشودگی مالیاتی برای سرمایه داران، و رساندن دستمزدها به حداقل ممکن و گرانی و بیکاری گسترده است. در ایران جمهوری اسلامی هم "راه حل" بحران اقتصادی نهایتاً همین است. حتی اگر فرض کنیم روابط با غرب کاملاً متعارف بشود و تحریمها کلاً متوقف بشود تازه نوبت "فداکاری" کارگران و کار بیشتر در ازای حقوق کمتر و سفت کردن کمربندها فرا میرسد. منظور آیت الله های میلیاردر حاکم از رشد و شکوفائی اقتصادی، مثل همه دولتهای سرمایه داری دیگر دنیا، تضمین سود آوری هر چه بیشتر سرمایه به قیمت خانه خرابی مردم است. از دید توده مردم رشد و شکوفائی اقتصادی وقتی ممکن است که دست سرمایه دارهای مفتخور از سیاست و اقتصاد کاملاً قطع بشود. اولین قدم در این راه بریز کشیدن جمهوری اسلامی است. *

این روزها مقامات حکومت یک روز در میان از "رشد و شکوفائی اقتصادی" حرف میزنند. روحانی و طرفدارانش تعامل با غرب و رفع تحریمها و جلب سرمایه های خارجی را راه رشد و شکوفائی اقتصادی میدانند و خامنه و جناح اصولگرا اقتصاد مقاومتی را! یکی از درهای باز بروی غرب صحبت میکنند و دیگری از استقامت در برابر غرب!

این یک کشمکش سیاسی برسر نحوه و درجه نزدیکی به غرب است که به زبان اقتصاد بیان میشود. بحث در واقع بر سر نحوه و حد کوتاه آمدن در برابر آمریکا به شکلی است که تحریمهای اقتصادی رفع بشود و در عین حال به "کیان اسلام" ضد آمریکائی خدشه ای وارد نیاید! اما تا آنجا که به سیاست اقتصادی مربوط میشود اختلاف و کشمکش بین جناحهای حکومتی وجود ندارد. از دوره ریاست جمهوری "سردار سازندگی" تا خاتمی و احمدی نژاد همه بدنبال به راه انداختن چرخهای اقتصاد به گل نشسته رژیم طبق الگوها و توصیه های بانک جهانی بوده اند و امروز هم دولت روحانی همین هدف را با همان سیاستها و اولویتهای دنبال میکند. نه بر سر قطع سوبسیدها یا اسم غلط انداز "هدمند کردن یارانه ها" کسی بحث و اختلافی دارد و نه در مورد باز گذاشتن دست قوانین بازار و سفت کردن کمربندها و تحمیل ریاضت کشی اقتصادی به توده مردم.

پیام، همان پیام آور است!

جزو محرمات و ممنوعه هاست! تا همین امروز در حتی کشورهای باصطلاح پیشرفته غربی عکس و فیلم هر جنایت و کشتار و قساوت و خونریزی ای را منتشر میکنند ولی وقتی نوبت به بدن زن میرسد با نوارهای سیاه قسمتهای ممنوعه را میپوشانند. نشان دادن شنیع ترین خشونتها حتی در کارتون ها و بازیهای ویدئویی کودکان بلامانع است اما نشان دادن سینه زن در فیلم ها و رسانه ها ممنوع است. حتی در فیس بوک از انتشار عکسهای برهنه زنان بدون سیاه کردن قسمتهای ممنوعه جلوگیری میکنند. جامعه نرینه معاصر خود بدن زن را به اسلحه ای برای نقد خود تبدیل کرده است. (همانطور که در جمهوری اسلامی

از سینه لرزان در پاسخ به خزعبلات یک امام جمعه متحجر در ایران که گفته بود "برهنگی سینه زنان سبب زلزله میشود!" تا اعتراض عریان در روز هشت مارس امسال، نیروی تازه ای در مبارزه علیه ارتجاع اسلامی بمیدان آمده است. نیروئی که بدن زن را بعنوان سلحه ای در نقد دنیای نرینه معاصر بکار میگیرد.

نفس این کار ممکن شده است چون بدن زن متعلق به خود او نیست، مایملک مردان است، "کشتزار" مردان است. چون بدن زن تابو است. بدن زن کالای جنسی است. و نگاه به بدن عریان زن (اگر در بازار پورنو و فحشا، و یا در بازار صیغه و عقد و ازدواج شرعی، قیمتش پرداخت نشده باشد)

همراه با فعالین حزب در ۸ مارس

اعضا و فعالین حزب کمونیست کارگری در روز جهانی زن در کشورهای مختلف حضور فعالی داشتند. خود و یا همراه با سازمانهای دیگر مراسم سازمان دادند، حضور فعالی در راهپیمائی های بزرگ شهرهای مختلف داشتند و یا خود از سخنرانان و سازمان دهندگان این راهپیمائی ها بودند، پوسترها و پلاکاردهای بزرگ توجه حاضرین را به خواست های برابری طلبانه و آزادیخواهانه جلب کردند، مطالبات فوری برای رفع تبعیض جنسیتی در ایران را در میان مردم توزیع کردند، از مبارزات قهرمانانه و گسترده زنان در ایران صحبت کردند و حکومت زن ستیز جمهوری اسلامی را به افکار عمومی شناساندند.

گزارشها، سخنرانیها و تصاویری که از این مراسم ها و راهپیمائی ها در این شماره انترناسیونال ملاحظه می کنید، گوشه هایی از فعالیت های تعدادی از اعضا و فعالین حزب را نشان میدهد.

مصاحبه تلویزیون فرانس ۲۴ با مریم نمازی بدنبال آکسیون اعتراض عریان

عریان میشوم، اعتراض میکنم، تو را به چالش میکشم

روز هشت مارس در پاریس تعدادی از کشورهای مختلف

خاورمیانه و شمال آفریقا به خاطر آنچه حمایت از حقوق زنان در این منطقه خواندند عریان شدند. در این میان دو زن ایرانی نیز حضور داشتند خانم مریم نمازی و سولماز وکیلپور.

اعتراض فرهنگی شوونیست ها را از مخفیگاهشان بیرون میکشد

فمن های سابق تونس که به خاطر عریان شدن در کشورش تهدید شده بود با من بودند.

در جلوی موزه لوور مردم بسیار با سوت و دست زدن ما را تشویق میکردند. اما واکنش پلیس خشن بود. اول ما را محاصره کردند، بعد به رسانه ها و مردم گفتند دیگر عکس نگیرید و سپس ما را هل دادند و به این



طرف آن طرف کشیدند و به صورت جدا جدا داخل ماشین هایی انداختند و به مرکز پلیس بردند و چند ساعتی بعد آزاد کردند.

به نظرم این اقدام ما اهمیت زیادی دارد چون اسلام سیاسی میخواهد زن ها را محو کند، نمیخواهد زن ها حرف بزنند، میخواهند زن ها همه به زیر چادر و برقع بروند.

البته ناگفته نماند که من بین مسلمانان و اسلام سیاسی فرق میگذارم. به نظرم مسلمانانی هم هستند که مدافع حقوق زنان هستند، پدر و مادر من مذهبی هستند اما انسان های خوبی هستند. همانطور که مسلمان

خوب داریم، آنتیست بد هم داریم. مشکل من اسلامی سیاسی است. مذهب امری شخصی است اما وقتی وارد آموزش و پرورش و سیاست میشود، مشکل ساز میشود. البته همانطور که گفتم من آنتیست هستم و اساسا با مذهب چه اسلام و چه هر مذهب دیگری مشکل دارم.

نکته جالب در مورد اعتراض فرهنگی این است که همانطور که برای بسیاری خشم برانگیز است اما از سوی دیگر بسیاری دیگر را نیز خوشحال میکند. آدم هایی هستند که از زن ها خوششان نمی آید و یا به حقوق آنها اعتنایی ندارند اما واضح نیست، در واکنش به اعتراض فرهنگی تنفرشان واضح میشود. در واقع اعتراض فرهنگی شوونیستها را از مخفیگاهشان بیرون میکشد.

البته این امکان وجود دارد که فردی طرفدار حقوق زنان باشد و فردی پیشروی باشد اما با شکل اعتراض ما مشکل داشته باشد. اما بحث من این است که خیلی از کارهایی که در تاریخ انجام شده، تابو شکن بوده و برای بسیار ناراحت کننده بوده است. در طول تاریخ همیشه جنبش هایی تغییر واقعی ایجاد کردند که تاکتیک های رادیکال به کار بردند و در زمانشان ناهنجار شناخته شدند.

در این چند سالی که در زمینه اعتراض فرهنگی فعال هستم در ابتدا از میزان حمایت تعجب کردم. انتظار آن همه حمایت را نداشتم. نکته مهم این است که بسیاری از انسان ها به سطحی از فرهنگی که فیلم ها و عکس ها و ... واکنشی نشان نمیدهند. اما وقتی فرهنگی پشتش فکر و هدف میروند به آن واکنش نشان میدهند.

اعتراض فرهنگی از نظر من هم میخواهد بگوید که عریان شدن برای زنان یک حق است چرا که بدن انسان عیب نیست منفور نیست. بدن من ناموس پدر و شوهر و ملت و کشورم نیست. از سوی دیگر اعتراض توسط فرهنگی، به عنوان یک شیوه برای جلب توجه و رساندن پیام به دیگران از آن استفاده میشود. در واقع اعتراضی است برای مواجهه با جریان ضد زنی که آن را

سنگسار میکند، میگوید تو نصف مردی و میخواهد او را محو کند. اعتراض فرهنگی مقابله با توحش است.

خیلی ها در ایران، خاورمیانه و افریقای شمالی جانیشان از وضعیت، از قوانین مذهبی و شریعت به تنگ آمده میخواهند که زندگی آزاد و برابری داشته باشند. اما امکان اعتراض ندارند زمانی که ما تقویم عریانی را منتشر کردیم بسیاری از ایران با چهره های پوشانده تصاویر خودشان را برای ما ارسال کردند. حق عریان شدن یعنی اینکه من را به عنوان یک انسان ببینید. این برمیگردد به اساس زن بودن، به اساس برابری زن و مرد که حتی در خود غرب هم با آن مشکل وجود دارد. مثلاً یک مرد میتواند با بالا تنه لخت برود در ساحل من به عنوان زن نمیتوانم. این که زن را به عنوان یک انسان و جدا از تنش نگاه کنن و حقوق برابر با مرد داشته باشد مسیله ای است که مبتلا به یک زن کارگر تا طبقات دیگر هم میشود. اساسا سرکوب زنان برمیگردد به بدن آنها، جداسازی حجاب و ... دیگر ما اعتراضمان به این است.

برخی میگویند که این شیوه اعتراضی ما به بهانه ای برای سرکوب بیشتر فعالان زن در ایران بدل میشود، من چند دهه است که فعال سیاسی هستم. بیجه نیست. به اعدام ها اعتراض کنی، اعدام ها بیشتر میشود، علیه سنگسار اقدام کنی، سنگسارها بیشتر میشود، به حجاب اعتراض کنی، فشار برای حجاب بیشتر میشود. جنایت ها و اقدامات مرتکبین آن را نباید به گردن من که معترض هستم انداخت. مسئولیت این اقدامات با کسانی است که دست به آن میزنند. شاید از تاکتیک مبارزاتی من خوششان نمی آیند اما باید بگویم از ابتدای تاریخ تمام کسانی که برای حقشان مبارزه میکردند کسانی بوده اند که از تاکتیک های مبارزاتی آنها خوششان نمی آمده است.

از نظر من اعتراض فرهنگی آنتی تر فرهنگ جمهوری اسلامی است. اگر کسانی هستند که

ادامه صفحه ۶

همراه با فعالین حزب ۸ مارس



خوششان نمی آیند تعداد بسیار زیادی هم هستند که خوششان می آید. من هم همه را نمایندگی نمیکنم. هر کسی بخشی از جامعه را نمایندگی میکند. کسانی که از اعتراض برهنگی دفاع میکنند بخش پیشرو جنبش رهایی زن هستند و به نظر من هر سال این مسئله نرمالتر به نظر خواهد آمد.

گزارش کوتاهی از شرکت فعالین حزب

واحد مالمو در مراسم ۸ مارس

جمعیت شرکت کننده در این مراسم ابتدا ساعت ۱ بعدازظهر در فولکتس پارک (پارک مردم) گردآمده، سپس ساعت ۲ بعدازظهر بطرف مرکز شهر با سر دادن شعارها و رقص و موزیک به حرکت درآمدند. حوالی ساعت ۳ جمعیت به میدان مرکزی شهر "گوستاو آدولف" رسیده و تعدادی سخنران به همراه گروه موزیک و همچنین سر دادن شعارهای ۸ مارس برنامه را به پایان رساندند. صداها شعار گوناگون طنین انداز مراسم این روز بود مانند: حقوق مساوی و برابر برای مردان و زنان / تساوی در همه شئون اجتماعی / شش ساعت کار در روز ...

فعالین حزب کمونیست کارگری هم با عکس ها و پلاکاردهائی که به زبانهای فارسی و انگلیسی نوشته شده بود فعالانه تا پایان مراسم حضور داشته و این روز را گرامی داشتند.

گزارش کوتاهی از

مراسمهای ۸ مارس در

اسلو

میتینگ و راهپیمایی عمومی ۸ مارس امسال با شکوه فراوان و با شرکت هزاران نفر از مدافعین برابری زن و مرد در مرکز شهر اسلو برگزار شد. ناظران

آمار شرکت کنندگان امسال را حدود ۱۵ هزار نفر گزارش میکنند. شرکت این تعداد در چند دهه گذشته بیسابقه بوده است و خاطره دهه ۱۹۷۰ میلادی را زنده میکرد، دهه ای که مبارزات زنان برای برابری و حقوق رفاهی در اوج خود بود. منابع سیاسی در نروژ دلیل استقبال پر شور آزادیخواهان و برابری طلبان از مراسم ۸ مارس امسال را از یکسو حاکمیت احزاب دسته راستی که از جمله میخوانند حقوق تثبیت شده زنان را بازپس بگیرند و از سوی دیگر بحرانی که دامن سرمایه داری را در جهان گرفته است میدانند. میتینگ و راهپیمایی با سخنرانها، شعارها و حمل پوستر و پلاکاردهائی در دفاع از حقوق زنان و در مخالفت با سیاستهای احزاب حاکم به مدت ۲ ساعت ادامه دشت. اعضا و دوستداران حزب کمونیست کارگری با حمل پوستر و پلاکاردهائی در دفاع از برابری زن و مرد و در محکومیت رژیم اسلامی ضد زن حاکم بر ایران فعالانه در این مراسم شرکت کردند.

عصر روز ۸ مارس مراسم و جشنی به فراخوان کمیته نروژ حزب کمونیست کارگری ایران، حزب حکمتیست و سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان برگزار شد. در این مراسم که با استقبال شرکت بیش از صد نفر برگزار شد ابتدا سخنرانیهائی از جانب نمایندگان احزاب و سازمانهای برگزارکننده در گرامیداشت روز جهانی زن و در دفاع از حقوق زنان از جمله در کشورهای اسلام زده ایران و افغانستان ایراد شد و اعلامیه هائی به مناسبت این روز قرائت گردید. از جمله سخنرانان مراسم سرور کاردار از حزب کمونیست کارگری، نورالدین الهامی از حزب حکمتیست و کبری سلطانی از سازمان سوسیالیست های کارگری افغانستان بودند. جشن

گرامیداشت ۸ مارس با اجرای موزیک زنده و رقص و پایکوبی تا پاسی از شب ادامه داشت.

برگزاری روز جهانی زن (۸ مارس) در شهر Arnhem در هلند

به دعوت سازمان همایش اروپایی زنان افغانستان مراسم روز جهانی زن با شرکت بیش از ۱۰۰ نفر از زنان و مردان آزادیخواه در شهر آرنهم هلند برگزار گردید. مراسم با معرفی و تاریخچه ۸ مارس و با خواندن چندین شعر در وصف این روز شروع گردید. تنی چند از مردان و زنان از جمله فرشته مرادی از سخنرانان اصلی این برنامه بودند.

فرشته مرادی با تبریک روز ۸ مارس به شرکت کنندگان به مبارزات زنان در ایران و



تشویق و کف زدن حضار همراه بود.

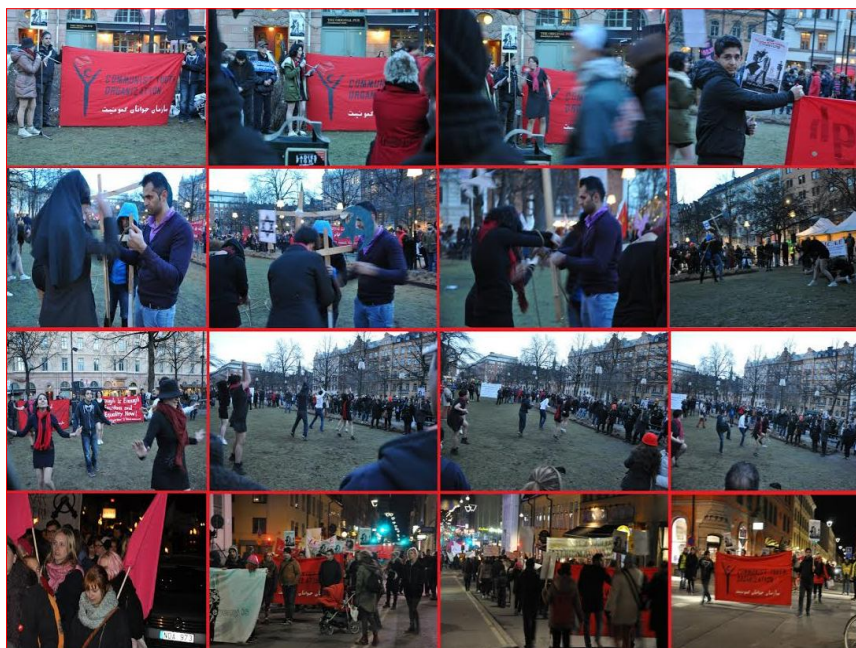
در فواصل برنامه ها چندین شعر و دکلمه در گرامیداشت روز جهانی زن قرائت گردید. بخش پایانی برنامه همراه بود با اجرای موزیک و رقص و پایکوبی که تا پاسی از شب ادامه داشت.

هشت مارس در استکهلم

هشت مارس دیگری فرا رسید، روز جهانی زن! و یک بار دیگر جنبش رهایی زنان تیتتر افکار عمومی قرار گرفت. هشت مارس امسال در حالی فرا رسید که نابرابری و تبعیض جنسیتی، نرینه سالاری و مذهب در جای جای دنیا بصورت علنی، فاحش و بیرحمانه زنان را تحت ستم قرار داده است. و جامعه ایران نه تنها از این امر نابرابر مستثنی نیست، بلکه حکومت حاکم بر ایران، با وضع مداوم قوانین مذهبی و تزریق فرهنگ مسموم و عقب مانده، سالهای زیادی ست که تلاش میکند روز به روز حلقه فشار بر زنان را تنگ تر کند. هر چند زنان بخصوص نسل جوان در



همراه با فعالین حزب در ۸ مارس



ایران تحت هیچ فشاری زیر بار حجاب و مذهب نمی‌روند و روز به روز با بیحجابی و عدم رعایت موازین اسلامی از زندگی شخصی گرفته تا زندگی اجتماعی، هر چه حکومت می‌رسد را پنبه میکنند، اما تا زمانی که قوانین مذهبی، سنتی و مردسالار در جامعه حاکم باشد رهایی زنان امکان‌ناپذیر است. لذا اولین گام رهایی زنان در ایران برجیدن قوانین مذهبی و حکومت

اسلامیست. به همین مناسبت سازمان جوانان کمونیست به عنوان نماینده نسل جوان ایران که در زمینه دستیابی و تحقق آزادی و برابری همواره بصورت پیشرو و مدرن فعالیت‌های خود را سازماندهی میکند، امسال هم طبق روال هر سال در این روز بین المللی و با این جنبش جهانی در مقابل قرن‌ها نابرابری به میدان آمد و با سازماندهی برنامه‌ای با

تم "ضد مذهب"، با سخنرانی به سه زبان انگلیسی، سوئدی و فارسی، اجرای تأثیر علیه مذاهب و اجرای رقص جمعی با ترانه معروف "زن‌چیرها را بشکنید"، توسط فعالین جوان ایران و افغانستان، در مقابل چشم صدها تماشاگر در یکی از میادین اصلی شهر استکهلم سوئد، یک بار دیگر صدای رسای زنان و جوانان ایران، افغانستان و دیگر کشورهای مذهب زده شد. و پس از آن با سر دادن شعارهای "نه به مذهب"، "کمتر از آزادی و برابری"

تم "کمتر از سکولاریسم"، "کمتر از سکولاریسم"، "زنده باد هشت مارس"، "نه به آپارتاید جنسی"، "حکومت ضد زن نمی‌خواهیم"، "حکومت سنگسار نمی‌خواهیم"، "حکومت اعدام نمی‌خواهیم" در میان تظاهراتی باشکوه در خیابانهای استکهلم تا محل گردهمایی نهایی همه تظاهر کنندگان، خواست زنان و نسل جوان ایران را فریاد زد.

به امید آزادی و برابری، به امید یک دنیای بهتر
شیرین شمس*



مراسم ۸ مارس در گوتنبرگ سوئد



۸ مارس امسال در ایران

شهلا دانشفر

قدرت ۸ مارس امسال را در جنب و جوش وسیعی که بر سر برگزاری آن به پا شد میتوان دید. این روز آنچنان جای خود را باز کرده است که حتی جریانهای ملی اسلامی را نیز به تحرك انداخت و ناگزیر شدند که تسلیم این روز شوند. بار دیگر شهر سنج این شهر اول مه ها و هشت مارس ها، درخشید و در تهران نیز مراسم های متنوعی برپا شد. در شهرهای دیگر نیز گرامیداشت این روز در جمع ها و محافلی از زنان و مردان برگزار گردید. این تحرك از قبل از ۸ مارس شروع شده بود و در شهر سنج نیروی انتظامی رژیم اسلامی تلاش گسترده ای برای جلوگیری از برگزاری مراسم این روز کرد. چندین روز شهر سنج وضع امنیتی داشت و همه جا نیرو مستقر شده بود. اطلاعات نیروی انتظامی مظفر صالح نیا و شیث امانی دو تن از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران را احضار کرده و آنها را نسبت به هرگونه اقدامی از سوی اتحادیه آزاد به مناسبت ۸ مارس و شرکتشان در مراسم این روز هشدار داد و برحذر کرد. نیروی انتظامی رژیم در پنجشنبه ۶ مارس تعدادی از دختران و پسرانی را که در یکی از باغات مسیر جاده دهگلان جمع بودند را به خیال اینکه موضوع جمع شدنشان برگزاری هشت مارس بوده است، مورد حمله قرار داد و ۱۵۰ نفر را بازداشت نمود. در چنین کشاکشی هشت مارس در سنج و تهران و در محافلی از زنان و مردان معترض در شهرهای مختلف برپا شد. يك جنبه مهم دیگر هشت مارس قطعنامه و بیانیه هایی بود که به مناسبت این روز از سوی نهادها، تشکلهای زندانیان سیاسی و چهره های سیاسی شناخته شده، انتشار یافت. از جمله میتوان به بیانیه های دانشجویان دختر دانشگاههای اراک، ندای زنان ایران، کانون

نویسندگان ایران، اتحادیه آزادی کارگران ایران، اطلاعیه تعدادی از زندانیان سیاسی در زندان اوین، زندان گهر دشت و زندان مرکزی تبریز، بیانیه کارگران و فعالین کارگری شهر سنج، پیام آمینه قادری مادر زانیار مرادی و پیام اسماعیل فتاحی فعال کارگری از زندان تبریز اشاره داشت. این بیانیه ها تأکیدی مهم در دفاع از حقوق زن و بعضا محورهای مشترکی داشت. نگاهی به بیانیه های هشت مارس امسال و مراسم های این روز ابعاد مهم آنرا به روشنی بیان میکند.

نگاهی به بیانیه های هشت مارس امسال

محور اساسی این بیانیه ها تأکید بر تحقق فوری برابری کامل حقوق زنان و مردان در کلیه شئون زندگی اجتماعی اقتصادی و سیاسی فرهنگی و تأکید بر حق زن و مردان برای برگزاری مراسم روز جهانی زن بود. در این بیانیه ها بر خواستهای فوری زنان تأکید شده بود. حق اشتغال برابر برای زن و مرد، لغو هرگونه تبعیض علیه زنان، حق برابر حضانت از کودک، حق طلاق، برابری حقوق زن و مرد در کلیه عرصه های فردی، خانوادگی و اجتماعی، آزادی گزینش همسر، حق آزادی سفر، حق برخورداری تمام بیکاران زن و مرد از بیمه بیکاری، دستمزد برابر در برابر کار برابر، ممنوعیت تعدد زوجات، لغو تفکیک جنسیتی در مدارس، دانشگاهها، ورزش، و اماکن عمومی و غیره، آزادی پوشش، حق برابر شهروندی برای مهاجران افغانی، حق حضور در استادیوم های ورزشی و ورزش در اماکن عمومی همچون دوچرخه سواری، حق آزادی تحصیل و رشته تحصیلی از جمله این خواستها بود. همچنین این بیانیه ها خواستار حقوق پایه ای چون حق تجمع و تشکل و برخورداری از يك زندگی

فعالین کارگری دست به اقدام مشترک بزنیم و جلوی این احکام را بگیریم. جلوی شکنجه ها و پایمال شدن حقوق اولیه زنان و همه مردم ایران را با اتحاد و اعتراض خود باید بگیریم."

جوهر مشترك همه این بیانیه ها تأکید بر اتحاد سراسری حول خواستهای مشترك عمومی بود.

نگاهی به مراسم هشت مارس در تهران، سنج، و شهرهای دیگر

گزارش از ۸ مارس در تهران

در ۱۶ اسفند ۱۳۹۲، جشن ۸ مارس روز جهانی زن در تهران در جمعی از فعالین زن، کارگری، نویسندگان، شاعر و پژوهشگر برگزار شد. بعد از ارائه تاریخچه ای مختصر از ۸ مارس سخنرانی های ایراد شد. از جمله عناوین این سخنرانی ها بی حقوقی زنان از دوران انقلاب مشروطه تا کنون، بی حقوقی زنان کارگر و کشته شدن دو کارگر زن در آتش سوزی خیابان جمهوری، مشکلات زنان در ورزش، معضلات خانواده های مهاجر افغانستانی در ایران، سیمای زن در ادبیات مرد سالار، حق طلاق برای زنان، بیمه بیکاری برای همه، تابو بودن مطرح شدن تمایلات جنسی زنان در روابط زناشویی بود. بخشی از این برنامه به اجرای موزیک و شعرخوانی اختصاص داشت. در آخر نیز مراسم با موزیک و جشن به پایان رسید.

همچنین خبرها حاکیست که تعدادی از فعالین جنبش علیه تبعیض علیه زنان در مراسمی دیگر در موزه باغ نگارستان دانشکده علوم اجتماعی گرد هم آمدند و هشت مارس را گرامیداشتند.

لغو مراسم ۸ مارس در دانشگاه

قرار بود مراسمی در دانشکده اندیشمندان علوم انسانی دانشگاه تهران به مناسبت هشت مارس برگزار شود. اما حضور دانشجویان و سابقه هشت مارس ها در میدان لاله و پارک ولیعصر در سالهای گذشته رژیم را محتاط کرده و

مراسم را لغو کردند. طبق برنامه قرار بود طیفی از جریانهای ملی اسلامی خودی و غیر خودی از جمله الهه کولایی، عالییه شکرایی و ثریا عزیزپناه در این مراسم سخنرانی کنند. این برنامه را گروه مستقل زنان موسسه عصر خرد با همکاری روزنامه اعتماد و انجمن جامعه شناسی ایران، تحت عنوان "ضرورت تشکل یابی زنان" تدارک دیده بودند. اما سرکوبگران جمهوری اسلامی که تجربه سالهای گذشته را داشتند و دیده بودند که چگونه در آن سالها زنان معترض میدان را به دست گرفتند و در نهایت به حجاب برگریان و شعار آزادی برابری کشیده شد، در آخرین دقائق برپایی این مراسم را لغو کردند. اما دانشجویان بعد از لغو مراسم در پارکی در نزدیکی دانشکده جمع شدند و سخنرانی هایی صورت گرفت. همچنین در این مراسم بیانیه ای علیه سنگسار و قوانین ارتجاعی و تبعیض آمیز نسبت به زنان در ادارات دولتی خوانده شد.

مراسم ۸ مارس در سنج

در هشت مارس امسال نیز سنج درخشید. روز ۱۷ اسفند برابر با ۸ مارس رأس ساعت ۳، ۶، ۹، ۱۲ دقیقه عصر مراسمی بمناسبت روز جهانی زن در سنج (کمربندی کارگر سه راه فاطمیه) برگزار شد. در این روز با وجود فضای نظامی شهر سنج و آماده باش کامل نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی برای مقابله با روز جهانی زن، مردم آزادیخواه سنج در کمربندی ۱۷ شهریور تجمع کردند و با بلند کردن بنر و پلاکاردهای قرمز روز جهانی زن را گرامی داشتند. تظاهرات با جمعیتی حدود ۲۰۰ نفره شروع شد و به مرور تعداد بسیار بیشتری به آنها پیوستند. تظاهر کنندگان با بلند کردن بنر و پلاکاردهایی در دفاع از روز جهانی زن و همچنین شعارهای چون، کارگر زندانی آزاد باید گردد، زندانی سیاسی آزاد باید گردد به طرف کارآموزی راهپیمایی کردند و برای مدتی جاده کمربندی ۱۷ شهریور به طرف کارآموزی را بستند.

ادامه صفحه ۹

از صفحه ۸

۸ مارس امسال در ایران

راهپیمائی روز جهانی زن در میان هلهله و شادی صدها نفر از مردم آزادیخواه سنج بعد از مدت کوتاهی و برای جلوگیری از حمله نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی که خود را به محل رسانده بودند، به پایان رسید.

گفتنی است که روز ۷ مارس شماری از زنان و مردان آزادیخواه که تعداد آنها حدود ۱۵۰ نفر میشد، در حوالی روستای نوره در نزدیکی شهر سنج جمع شدند و به استقبال ۸ مارس رفتند. این مراسم از ساعت دو و نیم بعد از ظهر تا ساعت ۵ ادامه یافت. پلاکاردهای متعددی در دست شرکت کنندگان بود که بر آزادی زنان و برابری زن و مرد تاکید میگذاشت. پلاکاردهایی که بر آنها نوشته شده بود گرامی باد هشت مارس روز جهانی زن جلب توجه میکرد. در این تجمع سخنرانی هایی در دفاع از حقوق زنان صورت گرفت و قطعنامه ای نیز تصویب شد. گزارش مشروح تر این مراسم را بعدا به اطلاع میرسانیم. همچنین گزارشات دریافتی ما حاکی از برگزاری هشت مارس در شهرهای بانه، اصفهان، اندیمشک، اهواز، شوش، مشهد در جمع ها و محافلی از زنان و مردان آزادیخواه است.

بیانیه های ۸ مارس امسال در ایران

تبعیض را از سر زنان بر دارید!

۸ مارس روز جهانی زن را به همه انسان هایی که برای داشتن يك زندگي بدون از تبعیض و نابرابری مبارزه می کنند، تبریک می گوئیم. ۸ مارس (۱۷ اسفند) روز سخن گفتن انسان هایی است که هرگز نتوانسته اند سایه سنگین "هیس! دختران سخن نمی گویند" را از زندگي شان دور کنند. ما را به واسطه زن بودنمان مورد تبعیض و بی حقوقی قرار می دهند و این را

حمایت از ما تلقی می کنند.

ما می خواهیم سرنوشت مان را خودمان رقم بزنیم و حق انتخاب در ازدواج و طلاق و حق انتخاب رشته تحصیلی و حق انتخاب شغل داشته باشیم.

ما نمی خواهیم برده جنسی باشیم فقط بچه بدنیا بیآوریم بلکه می خواهیم حضانت فرزندان را که بدنیا می آوریم، داشته باشیم.

ما می خواهیم حق داشته باشیم که برای فرزندانمان که پدرشان مهاجر است، شناسنامه بگیریم و به آن ها هویت اجتماعی ببخشیم.

ما می خواهیم وقتی کار برابر با مردان داریم، دستمزد برابر با مردان هم داشته باشیم.

ما می خواهیم که قانون، همه زنان خانه دار را بعنوان زنان بیکار بشناسد و برای آن ها حقوق بیکاری تعیین و مقرر کند.

ما می خواهیم بدور از تعصبات و تفکیک جنسیتی از دیگر هموعانمان، درس بخوانیم، کارکنیم، ورزش کنیم و شاد باشیم.

ما می خواهیم پوشش و لباس دلخواه خودمان را بپوشیم.

ما می خواهیم برای سفر کردن، کس دیگری برای ما تصمیم نگیرد زیرا آزاد بودن درسفر حق ماست.

ما می خواهیم بتوانیم در اماکن عمومی ورزش و دوچرخه سواری کنیم و حق رفتن به استادیوم های ورزشی را داشته باشیم زیرا ممنوعیت ورود زنان را به ورزشگاه ها، بی حرمتی به زنان می دانیم.

ما می خواهیم جمع ها و تشکل های مستقل خودمان را داشته باشیم.

ما انسانیم و زندگي برابر و آزاد و انسانی، حق مسلم ماست.

زنده باد ۸ مارس، روز جهانی زن زنده باد برابری حقوق زن و مرد ندای زنان ایران، ۸ مارس ۲۰۱۴

بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران به مناسبت روز جهانی زن

۸ مارس روز جهانی زن، سرآغاز خیزی بزرگ در تاریخ بشریت برای پایان دادن به ستم و تبعیض بر علیه زنان است. این روز در بیش از یکصد سال پیش بر متن مبارزات طبقه کارگر و اهداف و آرمانهای انسانی آن به منصفه ظهور رسید و بدنای خود جنبش زنان را بمثابة يك جنبش بزرگ اجتماعی در طول تاریخ معاصر وارد کشمکشهای اجتماعی جهان کرد. جنبشی که امروزه يك سر آن در آفریقا و خاورمیانه و سردیگر آن در کشورهای بزرگ صنعتی است و در برخی کشورها از جایگاه اجتماعی تعیین کننده ای برخوردار است و اثرات بسیار مهم و تاریخ سازی در چرخشهای اجتماعی دارد.

برابری خواهی، هویت و خصلت نمای جنبش زنان است و از همینجا، این جنبش در عمیق ترین سطح پیوندی ناگسستنی و تاریخی با جنبش کارگری دارد. ستم و تبعیض جنسیتی بر زنان یکی از ستون فقرات اصلی حفظ نظام بردگی و بهره کشی انسان از انسان است و تا زمانی که تحولات اجتماعی قادر به رفع کامل این ستم و تبعیض نشود هیچ تحول بزرگ انسانی را نیز در امروز و فردای تاریخ بشریت شاهد نخواهیم شد. اینرا ما کارگران بخوبی میدانیم و بر آن واقفیم و به همین دلیل ما پیگیرترین نیروی اجتماعی برای تحقق کامل برابری حقوق زنان و مردان هستیم و همیشه بدور از هر گونه سیاست ورزی در کنار جنبش زنان قرار داشته ایم و قرار خواهیم داشت.

اتحادیه آزاد کارگران ایران با خفت بار شمردن و محکوم کردن هر گونه تبعیض جنسیتی بر زنان، ۸ مارس را به عموم زنان و مردان شریف و برابری خواه صمیمانه تبریک میگوید و با اعلام همبستگی با جنبش زنان، خواهان تحقق فوری برابری کامل حقوق زنان و مردان در کلیه شئون زندگی اجتماعی اقتصادی و سیاسی فرهنگی است و با تاکید بر حق زنان و مردان برابری خواه برای برگزاری مراسم این روز جهانی، اعضا خود و عموم کارگران در سراسر کشور را به شرکت در مراسمهای روز ۸ مارس فرا

میخواند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - ۱۶ اسفند ۱۳۹۲

کانون نویسندگان ایران" با انتشار بیانیه ای فرارسیدن ۸ مارس روز جهانی زن را به همه زنان ایران و جهان تبریک گفت

بخشی از بیانیه بدین شرح است: "۸ مارس روز خواست برابری کامل زنان با مردان، روز حق اشتغال برابر زنان با مردان، روز دستمزد برابر، روز حقوق مساوی زنان با مردان، روز رفع همه شکل های تبعیض، ستم و خشونت بر زنان، روز ایستادگی زنان و مردان آزاده در برابر جامعه مردسالار، روز آزادی زنان از بند بندگی قرون وسطایی، روز اعتراض به نیم انسان شمردن زنان، روز خواست مبرم برچیدن همه شکل های تحمیل فقر و تهیدستی بیشتر بر زنان زحمتکش، روز آزادی زنان، بر همه زنان در گوشه گوشه ایران و جهان، بر زنان نویسنده و هنرمند، بر زنان کارگر و کارمند و خانه دار و بر زنان زندانی گرامی باد."

بیانیه دانشجویان دختر دانشگاههای اراک به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

دانشجویان دختر به بهانه های واهی تحت بدترین فشارها قرار میگیرند و حتی آنها را از تحصیل در رشته دلخواهشان منع میکنند. خواسته ما عبارت است از:

۱. برابری کامل زنان و مردان در زمینه های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی
۲. القای هر گونه تبعیض علیه زنان و دختران
۳. آزادی انتخاب پوشش
۴. آزادی ازدواج و طلاق
۵. ممنوع شدن چند همسری
۶. حق آزادی تحصیل و رشته تحصیلی و شغل

واقعیت این است که رسیدن به این اهداف نیازمند همبستگی و اتحاد عمل آحاد زنان میهن است و با اتحاد ما دیری نخواهد پایید که این حق به یغما رفته بازستانده میشود.

به امید آن روز

پیام آمینه قادری مادر

زانبار مرادی به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

من مادر زانبار مرادی زندانی سیاسی محکوم به اعدام، فرارسیدن ۸ مارس روز جهانی زن را به همه زنان آزاده در ایران و در دنیا تبریک میگویم. اجازه دهید در این روز آرزوی عمیق و قلبی خودم را برای آزادی زندانیان سیاسی و لغو احکام اعدام ابراز کنم.

من اجازه نمیخواهم تبریک هشت مارس را در ابتدا به زنان آزاده ای تقدیم کنم که در این روزها و ماهها و سالهای سخت و جانکاه ما را تنها نگذاشته و همواره برای نجات عزیزترین فرزندم و هم پرونده ای او لقمان مرادی، مبارزه کرده اند.

هشت مارس روز جهانی زن، در عین حال شاید روزی باشد که همگان نگاهی به ته قلب ما بیاندازد، مادرانی که با کابوس مرگ و قتل عدم فرزندانشان روز را به شب و شب را به روز میرسانند، این از نظر من عمیق ترین حفره و زخم در دل هر مادر و پدري است.

من این سرنوشت را برای هیچ مادری آرزو نمیکنم. هشت مارس امسال باید روزی باشد که به همه مادرانی که فرزندان و عزیزان دلبند آنها را متأسفانه کشتند و از آن فرزندان، از شور و گرما و لبخند و زندگي، فقط قاب عکسی برای مادران بجا نهند، یاد کنیم و به همه این مادران ادای احترام کنیم.

اجازه دهید به نهاد مادران پارك لاله، مادران علیه اعدام و همه سازمانهایی که صدای این مادران را منعکس میکنند، درود بفرستم. من بویژه میخواهم به مادر فرزاد کمانگر درود های عمیق و قلبی خودم را تقدیم کنم. مادرانی همچون دایه سلطنه، در بدترین شرایط و با خون دل از آرزوهای فرزندان خود و از حرمت آنها بخوبی دفاع میکنند.

یکبار دیگر هشت مارس روز جهانی زن را به همه زنان و مردان آزاده دنیا تبریک میگویم. من مادری هستم که دلم، بارها از صدای تلفن و یا از صدای هیجان زده افراد، پایین ریخته و فکر کرده ام شاید خبر بدی برایم دارند! از

ادامه صفحه ۱۰

۸ مارس امسال در ایران

همه شما می‌خواهم به فعالیتهای خودتان در دفاع از فرزندم ادامه دهید، نگذارید خبر بد بشنوم و نگذاریم دیگر هیچ مادری خبر بد بشنود.

آزمینه‌قادرى مادر زندانى سیاسى محكوم به اعدام، زانیار مرادى چهارشنبه ۷ اسفند ماه برابر با ۲۶ فوریه ۲۰۱۴

پیام یک فعال کارگری به مناسبت هشت مارس روز جهانی زن!

ما فعالین داخل ایران سکینه محمدی آشتیانی را يك سمبل مبارزه با سنگسار تلقی میکنیم!

روز جهانی زن را به تمام زنان آزاده در دنیا و بویژه به زنان ایران تبریک میگویم. امیدوارم روزی برسد که زنان در ایران به همه حقوق انسانی خود دست یابند. متأسفانه این روزها در تبریز خبر ناگوار خودکشی سکینه محمدی آشتیانی

انسانی شدید با زنان بوده ام. زنان در داخل زندانها در شرایط بسیار اسفناکی بسر می‌برند، من این رفتار ضد زن را بشدت محکوم میکنم.

من برای نجات جان سکینه محمدی آشتیانی و آزادی این زن دردمند از زندان که سمبل و نهاد مبارزه با سنگسار است، از همه می‌خواهم با تشکیل آکسیونها ی گسترده، خواهان آزادی سکینه بشوند.

حکم فعلی سکینه ابقای حکم سنگسار به اضافه بیست سال زندان است. اعتراف گیرها در تلویزیون دولتی ایران، رفتار خشن با فرزندان سکینه و تحقیر و اذیت و آزار روزمره او در زندان و نگه داشتن خطر سنگسار بر بالای سر او همه و همه شرایط بسیار بد روحی برای سکینه ایجاد کرده است. ایشان ده بار تقاضای انتقال به دیگر زندانها را نوشته اند با توجه به خطرات وحشتناکی که در این زندان دارد، اما با خواست او مخالفت کرده اند، حکومت اسلامی می‌خواهد از سکینه انتقام يك حرکت بین المللی گسترده و انسانی را بگیرد. بدلیل تبدیل شدن او به يك سمبل و نماد

را همه شنیده اند، سکینه نماد و سمبل مبارزه با سنگسار است، ما هم شنیدیم که او دست به خودکشی زده بوسیله سوزنهای خیاطی و گلدوزی به دلیل استرس های بسیار شدید و رفتار ضد انسانی با او و خانواده اش در طی سالیان طولانی. این دومین بار است که ایشان خودکشی کرده است.

متأسفانه يك خبر سنگسار دیگر در تبریز این ماهها توجه همه را بخود جلب کرد، محکومیت به سنگسار زهرا پورساعی و علی ساعی این حکم با تایید قوه قضاییه روبرو شده و ممکنست هر لحظه اجرا بشود. حکومت اسلامی بدلیل اعتراضات بین المللی ممکنست این دو نفر را مخفیانه سنگسار کند و باید مواظب این واقعه بود و با اعتراضات مانع اجرای حکم شد.

من يك کارگر زندانی بوده و در داخل زندان شاهد رفتار غیر

شکست سنگسار در ایران! سرگذشت سکینه در عین حال بیانگر وضعیت زنان در ایران و نقش و دخالت مذهب در زندگی زنان ایران در قرن بیست و يك است. این جنایات ضد بشری یعنی اعدام زنان و اعدام بطور کلی و سنگسار همواره در ایران ادامه داشته و رژیم جمهوری اسلامی باز هم این احکام را صادر میکند. اگر ما از طریق نهادهای حقوق بشری و افکار عمومی بین المللی فشار نیاوریم، این احکام صادر و اجرا خواهد شد. از تمامی عزیزان خواهش دارم که دست به يك اتحاد بزنید. فعالین مدافع حقوق انسانی و فعالین حقوق زنان، فعالین کارگری دست به اقدام مشترک بزنیم و جلوی این احکام را بگیریم. جلوی شکنجه ها و پایمال شدن حقوق اولیه زنان و همه مردم ایران را با اتحاد و اعتراض خود باید بگیریم.

برای سکینه آرزوی بهبودی دارم. ما فعالین داخل ایران سکینه محمدی آشتیانی را يك سمبل مبارزه با سنگسار و قوانین ضد بشری دین اسلام تلقی میکنیم. این درد يك جامعه است این فریاد باید

به گوش جهانیان برسد. من بعنوان یکی از فعالین کارگری در ایران از اتحادیه اروپا و نهادهای بین المللی می‌خواهم به جنایات و تحمیل بی حقوقی وحشتناک علیه زنان در ایران اعتراض کنند. اتحادیه اروپا باید به اعتراض و نقد روی آورد و نه اینکه بعنوان يك باند مافیایی مالی رفتار کند.

همه میدانند که در داخل ایران خفقان و دیکتاتوری حاکم است و نمیتوان راحت حرف زد، پس باید در سطح بین المللی بیش از اینها به اعتراضات دامن زد.

یکبار دیگر روز جهانی زن را به همه تبریک میگویم. به امید روزی که جامعه ای بسازیم که در آن هیچ زنی تحقیر نشود و زن و مرد برابر باشند و هر دو از حقوق انسانی برخوردار باشند.

اسماعیل فتاحی فعال کارگری از تبریز

چهارشنبه ۱۴ اسفند ۱۳۹۲ برابر با ۵ ماه مارس ۲۰۱۴

بازتکثیر از کمیته بین المللی علیه اعدام

اشاره اش به مهریه است. خلاصه اینکه اینها همه محور گفتن همه شان به مناسبت روز جهانی زن از جمله در مراسم خیابان هدایت تهران است.

این گفته ها هیچکدام تازه نیست. اینها حرف همیشه شان همین بوده که اسلام با حقوق زن تناقضی ندارد. اما در عمل ما شاهد جنگ هر روزه زنان و کل جامعه با حجاب و جداسازی جنسیتی و قوانین ارتجاعی اسلامی هستیم. به عبارت روشنتر جنبش رهایی زن از همه این گفتارها عبور کرده است و ما امروز در ایران با جنشی اجتماعی، چپ، رادیکال، انسانی در اعتراض به تعیض علیه زن روبرویم. جنبشی که يك خواست محوری اش کوتاه شدن دست مذهب از زندگی جامعه است. جنبشی که نوین است و افقش جهانی است. هشت مارس روز جهانی زن روز چنین جنبشی است.*

جهانی زن، این روز آزادیخواهی و برابری طلبی از سوی چنین جریاناتی بیش از هر چیز قدرت جنبش رهایی زن را به نمایش می‌گذارد. این فشار آنقدر سنگین است که حتی رسانه های دولتی نیز از هشت مارس به عنوان روز جهانی زن و از اینکه تاریخ این روز به اعتراض کارگران زن در نیویورک بر میگردد، سخن میگویند و در همین رابطه "نامه نیوز" به گفتگو با سهیلا جلودارزاده مشاور وزیر صنعت، معدن و تجارت و سرپرست "امور بانوان" این وزارتخانه دولت روحانی و "رئیس اتحادیه زنان کارگر" جمهوری اسلامی می نشیند. سهیلا جلودار زاده در سخنانش آنجایی که از وی در مورد بیحقوقی زنان در محیط کار و جانباختن ناگوار دو زن کارگر در آتش سوزی کارگاه تولیدی در تهران سوال میشود، ضمن همراهی ای ضمنی با این موضوع با بشیرمی تمام گلایه اش گرفتن "امتیازاتی" است که "دین" به زنان داده است! و

واقعی جوهر اصلی بحث او تلاشی برای حفظ نظام و اسلامشان در برابر خواستهای رادیکال زن و سنت آزادیخواهی و برابری طلبی روزی چون هشت مارس بود. نفس گرامیداشت ۸ مارس از سوی این جنابان نیز در واقع قدمی در جهت همین اجتهاد و به روز بازی کردن است. چون فشار جنبش رهایی زن و فشار چپ و سکولاریسم در جامعه را بر روی سر خود میبینند و این فشار سنگین است.

جالب اینجاست که قانون اساسی جمهوری اسلامی پایه های رژیم آپارتاید جنسی را بنیاد گذاشته است و این جنابان زنان را به اجرای آن احاله میدهند و گله شان از دولت تدبیر و امیدشان نیز عقب نشستن از این قانون است. قانونی که بنیادش بر اسلام و ستم بر زن گذاشته شده است. این لب و اساس تجمعی به اسم هشت مارس در خیابان هدایت تهران است.

به عبارت روشنتر برگزاری مراسمی به مناسبت ۸ مارس روز

ملی اسلامی ها و برگزاری هشت مارس

بسیاری شده است برای اینکه آلترناتیو دیگری در برابر این روز گذاشته شود. قرار بود روز فاطمه زهرا روز نشان باشد. مدتی هم تلاش کردند که يك روز من درآوردی چون ۲۲ خرداد را بعنوان روز زن در ایران غالب کنند، ولی هیچکدام نگرفت و بالاخره جام زهر را نوشیدند و ناگزیر هشت مارس، را به عنوان روز جهانی پذیرفتند. این خود يك موفقیت است. نشان از عمومیت یافتن این روز مهم و قدرت جنبش رهایی زن دارد.

در این مراسم طیفی از چهره های خودی و غیر خودی از جمله اعظم طالقانی، شهلا لاهیچی، نرگس محمدی، گیتی پورفاضل، شهلا اعزازی، زهره تنکابنی، بابک احمدی، حوریه فخمی، فرزانه ناظران پور، کیمیا انصاری، نسرين

سخنرانی مینا احدی در تورنتو کانادا



من در ۸ مارس ۲۰۱۴ از شهرتورنتو خطاب به تمام زنان در ایران، زنان در کشورهای اسلام زده و در همه دنیا روز جهانی زن را تبریک میگویم. من بعنوان کسی که سنین بیشتر عمرش را در راه دفاع از مسئله و مشکلات زنان سپری کرده این روز را به همه شما تبریک میگویم. وقتیکه میخواستیم برای برنامه امروز خود را آماده کنیم، سایت‌های مختلف، میدیای اجتماعی، سخنرانها و لینکهای دیگر را دیدم و این را بعنوان يك زن احساس کردم، که نه! اینهایی که من میخوانم و میبینم هنوز جواب کاملی به من نمیدهد. نه! اینها احساس من را بیان نمی کنند. این مسئله ایی که من میخواهم در موردش حرف بزنم و میخواهم به شما زنان و مردان برابری طلبی که در داخل این سالن نشسته اید بگویم، تمام آن چیزهایی که باعث رنج و عذاب شما شده را بیان نمی کند. در خیلی سایتها گفتند در ایران ۶۶ درصد از زنها تحت خشونت‌های خانوادگی قرار می گیرند. و در دنیا میگویند ۶۱۰ میلیون زن با این نوع خشونت رنج میکشد. گفته میشود در مصر ۹۱ درصد زنان ختنه شده اند. در جلسه ها و بحث های مختلف در مورد کمونیستها و سازمانهای مختلف بارها گفته شده که تاریخچه روز جهانی زن چطور درست شده است و از کجا می آید و ...؟ همیشه

حجاب اجباری را بر سر زنان پوشاندند و گفتند تمام برجستگیهای بدن، احساس و رابطه های دوستی و عشقی تو را زیر پاهایمان نابود و له می کنیم. ما در مورد این پدیده حرف میزنیم. این فرق دارد با جامعه کلاسیک سرمایه داری که بحث برابری و نابرابری زن و مردم مطرح است.

از مجله و کتاب و روزنامه و مصاحبه بگذریم در همین يك هفته گذشته با چند زن از ایران که تازه در خارج پناهنده شده اند و در شهر یوتبورئ سخنرانی من و آذر را شنیده بودند با من تماس گرفتند و میخواستند که با من حرف بزنند. با گوش دادن به حرف و درد دل این زنان متوجه میشوید که فاصله بین زندگی عادی يك زن در ایران تا چاله ای که بخواهند ببرند و سنگسار کنند چقدر کوتاه است.

در جامعه ایی که حکومت اسلامی وجود دارد و در قانونش ذکر کرده اند که زن نصف مرد ارزش دارد و خون او حلال است. يك دختر جوان ۲۵ ساله و خیلی خوشگل که آمده بود در این مورد با من حرف بزند توجه مرا يك بار دیگر به عمق فاجعه ای که در ایران در جریان است جلب کرد. با شنیدن این بحثها احساس من این بود که آمار هیچوقت واقعیات را بدرستی نشان نمیدهد. باید در چشمان يك دختر نگاه کرد و دید که در ایران چه خبری است. به من گفت که با يك پسر بچه ۸ ساله از ایران آمدم. میدانید زندگی من چطور بود؟ گفتم چطور؟ بگو! گفت اگر درك کنید می بینید که من انقلابم و شمایي که مبارزه کردید ممنونم از شما ولی بدونید آن جامعه با من چکار کرد. گفتم خوب چکار کردند بگو!

گفت بین صورت من را لبام درشته قیافه اینطوری بود که میبینید. از بچگی آرایش

میکردم. به همین دلیل هم در خانه و هم در مدرسه اذیتم میکردند و اینقدر من را تحت فشار قرار میدادند تا آخرش يك دوست پسر گرفتم و با او همبستر شدم و پرده بکارتم را از دست دادم و با این اتفاق زندگی من در آن جامعه تمام شد. چون پدرم این موضوع را فهمید و من به ناچار دختر خیابانی شدم. مگر در آن جامعه مدافعی داشتم! نه...

چه اتفاقی برای من افتاد؟ اولین بار از تهران سوار اتوبوس شدم رفتم بندرعباس در مسیر راه نیروی انتظامی (پاسدار) من را گرفتند و بردند داخل يك خانه و ۴ نفر به من تجاوز کردند و من را آوردند و تحویل پدرم دادند. هر لحظه احتمال این بود که خانواده من را بکشند ولی از بخت بد پدرم يك فردی که ۲۱ سال از من بزرگتر بود را پیدا کرد و من را به عقد او درآورد. این فقط يك نمونه از هزاران نمونه ای است که هیچ آمار و ارقام و بحث نابرابری متعارف در جامعه سرمایه داری و ... نمیتواند عمق آنرا بیان کند.

میخواهم در اینجا بگویم نه تنها زندگی این دختر جوان بلکه بگذارید در مورد زنان ایران، از سکینه محمدی آشتیانی، از شهلا جاهد و از آرزو بگویم که فقط برای اینکه از شوهرش طلاق بگیرد کشتنش. اجازه بدهید از قانونی و از کتابی بگویم که جمهوری اسلامی نوشته که سیاه روی سفید و در قرنی که در آن زندگی میکنیم زن حق طلاق نداشته باشد. زنی که در خیابان حجاب نداشته باشد میگویند از نظر ما بعنوان قاتل و جانی باید به آنها نگاه کرد. اجازه بدهید ۸ مارس ۲۰۱۴ در مورد این حرف بزنم که در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی و حکومتش و در کتاب قانونش این را نوشته و ما مخالفین، معترضین و کمونیستها دنیا را روی سرمان نگذاشتیم و به نظر من باید کتاب قانون جمهوری اسلامی را در سراسر دنیا به آتش می کشیدیم و در موردش توضیح میدادیم. در ایران جانورانی در راس کار هستند که بصورت

کاملاً علنی می گویند اگر زنی در خانه شما کشته شد اول پول به حساب دولت واریز کنید تا بعدا رسیدگی کنیم. این اتفاقات در قرن ۲۱ افتاده است. وبالاخره اجازه بدهید اینجا در مورد این بگویم که زنان در ایران در مقابل این حکومت در مقابل قانون اسلامی آنها در مقابل مذهب اسلام و در مقابل تمام قواعد و مقررات جمهوری اسلامی نترسیده و اعتراضشان مرتب و در ابعاد کل جامعه ادامه داشته است. نه خودشان را مخفی کردند و نه اجازه دادند کسی که تحقیرشان میکند، بی پاسخ بماند.

به نظر من يك جنبش اجتماعی بزرگ در ایران وجود دارد و در تمام عرصه ها خود زنان حکومت اسلامی را به چالش کشیدند. این مسئله خیلی مهمی است و میخواهم از همینجا این را بگویم: من و هما ارجمند و آذر ماجدی و تمام آنهایی که مبارزه میکنیم باید این مبارزات را بزرگ و در دنیا مطرح کنیم. باید پلاتنفرم به آن بدهیم و اعلام کنیم که این مبارزه این جنبش و این انقلاب جنسی، برعلیه مذهب اسلام و ایدئولوژی مخالفت با زن و علیه پرده بکارت است. با صدای بلند بگویم زنده باد این جنبش. ما در سراسر دنیا این جنبش را حمایت میکنیم. از آن دفاع میکنیم و سعی می کنیم نشان بدهیم که روش کار ما درست است. میخواهم تاکید کنم در این مورد که یکی از مهمترین مسائل در ایران است هنوز باید کارهای زیادی کرد. وجود این جنبش که بصورت میلیونی در عرصه های مختلف جمهوری اسلامی را به شکست کشانده و در عرصه حجاب الان آخوندها از دست زن كتك میخورند. آخوند را میبینید که گریه میکند و عکس او را در سایت فارس نیوز میگذارند و بعد خامنه ای میگوید فرهنگ و اسلام مهم هستند و ... معلوم است که این زنان مبارز و مدرن تف میندازند تو صورت این آخوند و همه

ترجمه سخنرانی سوسن صابری در تجمع ۵۰۰۰ نفره شهر گوتنبرگ (سوئد) به مناسبت هشت مارس

صنعتی است. بدین معنا که حدوداً حقوق ۱۷ کارگر صنعتی برابر درآمد یک فرد در قدرت است. درآمد سالانه صاحبان قدرت شامل حقوق ناشی از کار و سود سرمایه است. سال ۲۰۱۲ میانگین مجموع درآمد صاحبان قدرت، ۵،۵ میلیون کرون و میانگین حقوق کارگر صنعتی ۳۲۸۰۰۰ کرون بوده است. در این گزارش منظور از صاحبان قدرت، صاحبان سرمایه و مدیران عامل دولتی و خصوصی است. منظور از توضیح این شرایط، درک تبعیض بر زنان بعنوان جزئی از کل این سیستم ناعادلانه است.

در سوئد ۸۲٪ زنان فاصله سنی ۲۰ تا ۶۴ سال شاغلند. ۶۸٪ این تعداد تمام وقت و ۳۲٪ آنان نیمه وقت کار می کنند. این آمار در مورد مردها، ۹۰٪ تمام وقت و ۱۰٪ نیمه وقت است. تفاوت میان حقوق زنان و مردان ۱۴٪ است. این بدین معنی است که زنان حدوداً ۸۵٪ حقوق مردها را دریافت می کنند. ۷۵٪ مرخصی دوران نگهداری نوزاد (که طبق قانون سوئد هر دو والدین حق استفاده از آن را دارند) توسط زنان استفاده میشود. دلیل این مسئله این است که مردها عمدتاً حقوق بالاتری از زنان دارند و دیگر اینکه بدلیل وجود تفکر مردسالارانه، همچنان جامعه از زنان انتظار بیشتری برای پذیرش مسئولیت در قبال نگهداری کودک دارد. زنان بیشتر از مردان و بویژه در بخشهای درمان و نگهداری سالمندان و کودکان، در اثر کاهش رفاه و خدمات اجتماعی صدمه دیده اند. البته وخیم شدن وضعیت زندگی را نباید تنها در عدم وجود امنیت شغلی و بالاتر رفتن استرس در محل کار دید، بلکه مسئله کار بدون دستمزد خانگی را هم باید به آن اضافه کرد. کار هم در محل کار و هم کارخانگی و استخدامهای بدون پشتوانه امنیت شغلی یکی از

دلایل بزرگ عدم سلامتی بخش بزرگی از زنان است. تبعیض علیه زنان در بازار کار یک واقعیت داده شده است. تفاوت دستمزد و حقوق میان زن و مرد، درجه بالاتری از اشتغال نیمه وقت زنان به نسبت مردان، ساعات کار نامنظم، عدم وجود امنیت شغلی و مزاحمت و اذیت و آزار جنسی در محل کار، واقعیت امروز موقعیت زنان در بازار کار را رقم میزند. شرایط کاری زنان کارگر از موقعیت سایر زنان کارکن بدتر است. یک چهارم زنان کارگر دارای قرارداد استخدامی با زمان محدود هستند. بیش از نیمی از زنان کارگر نیمه وقت کار می کنند. ۶۵٪ آنان ساعات کاری غیر از ساعات معمول کار روزانه دارند و علاوه براینها حقوق شان در پایینترین رده حقوقی بازار کار قرار دارد.

علیه این وضعیت چه باید کرد؟ چه میشود کرد؟

آیا باید به برگزاری مراسم روز جهانی زن در ۸ مارس، یک روز در سال بسنده کنیم؟ آیا باید به برگزاری جلسات و سمینارها و کنفرانسها و تحقیق در باره مسئله زن رضایت بدهیم؟ آیا باید به اینکه بعضی از احزاب پارلمانی، پیشنهاداتی در باره رفع تبعیض ارائه کنند، خوشنود باشیم؟ آیا باید با همین روشها و ایده های تا کنونی راه را ادامه بدهیم؟ جنبش زنان برای برابری به خون تازه ای نیاز دارد. جنبش زنان برای برابری باید ضعفهای خود را شناخته و به فکر راه حل باشد. به همت جنبش حق طلبانه زنان در سالهای گذشته امروز دیگر برابری زنان و مردان در امر اشتغال، به قانون تبدیل شده است. "حقوق برابر در مقابل کار مشابه" بندی از قانون علیه تبعیض است. اما همچنان کار زنان ارزش کمتری در



عربستان سعودی، گرامی میداریم. سال گذشته ۲۰۱۳ از مبارزات آنان برای آزادی و برابری رنگین شد. از شهر گوتنبرگ به این زنان درود می فرستیم و برایشان کف می زنیم! امروز همچنین ۸ مارس را در شرایطی برگزار می کنیم که سود و پول بر ما حاکم است. در جهانی زندگی می کنیم که یک در صد ثروتمند صاحب ۴۴ در صد ثروت جهانند، در جهانی که از قیمت یک تلفن آیفون ۹۵ درصدش سود است و تنها ۵ درصدش حقوق کارگر. در شرایطی ۸ مارس را گرامی می داریم که حتی در کشورهای اتحادیه اروپا، یک دهم مردم فقیرند و زنان بطور متوسط ۵۹ روز در سال را بدون دستمزد و مجانی کار می کنند. اینجا در سوئد طبق گزارش سال ۲۰۱۲ سازمان سراسری اتحادیه های سوئد LO میانگین درآمد سالانه صاحبان قدرت برابر در آمد سالانه ۸۰۱۶ کارگر

دوستان عزیز! طی چند سال گذشته در بخش بزرگی از جهان روز جهانی زن هر ساله گرامی داشته شده است. به همت جنبش حق طلبانه و برابری طلبانه زنان ما قدمهای بزرگی برداشته ایم. ولی هنوز راه طولانی باقی است. بویژه در کشورهای با حکومتهای مذهبی که سرکوب قانونی زنان جریان دارد. در این کشورها حتی در سطح قانون و روی کاغذ هم زن نه به عنوان شهروند، بلکه نیمه ای از مرد حساب میشود.

امسال روز جهانی زن را با یک پشتیبانی قوی از طرف اعتراضات وسیع زنان علیه خشونت و تجاوز در هند، مبارزات و اعتراضات زنان کارگر تولید پوشاک در بنگلادش، مبارزات زنان علیه حجاب و قوانین ضد زن در ایران، مبارزات زنان علیه بی حقوقی در عراق و افغانستان، مبارزه علیه ختنه زنان در تعدادی از کشورهای آفریقایی و حتی مبارزه زنان در

مقایسه با کار مردان داشته و طبیعتاً حقوق کمتری هم دریافت می کنند. قانون اجرا نمیشود. کدام و یا کدامین صاحبکارانند که قانون را اجرا نمی کنند؟ تعداد بسیار زیادی از زنان در استخدام دولت یا کمونها (شهرداریها) و استانداریها هستند. بله، این خود دولت و کمون و استانداری است که قانون را اجرا نمی کند. عدم اجرای قانون از طرف این صاحبکاران چه عواقبی برایشان دارد؟ باید تبعیض در پرداخت حقوق میان زن و مرد، قابل مجازات باشد. امروزه اینطور نیست. در عمل اینطور نیست و زمانیکه خود دولت قوانین را زیر پا میگذارد، آیا میشود از بخش خصوصی انتظار اجرای قانون مزد برابر در مقابل کار مشابه را داشت؟ هرچند باید قانون شامل همه باشد. آیا می توانیم دلمان را خوش کنیم که یک روز آفتابی "آداره میانجیگری میان کارکنان و کارفرمایان" این سیستم تبعیض آمیز را تغییر دهد؟

نه دوستان من! اینجا در شهر گوتنبرگ و در تمام سوئد باید جمع شویم و خود را سازمان دهیم. پیام مبارزه علیه تبعیض حقوقی را به محلهای کارمان، به اتحادیه ها، سازمانهای مدافع حقوق زنان، احزاب سیاسی و میدای اجتماعی ببریم. از این طریق میتوانیم یک جنبش مبارز و تعرضی علیه نابرابری دستمزدها سازمان دهیم. بگذار سال ۲۰۱۴ را به سال جنبش علیه نابرابری دستمزدها تبدیل کنیم. ما هم میخواهیم و هم میتوانیم دولت را وادار به اختصاص بودجه برای پر کردن این شکاف موجود در میان حقوق زنان و مردان کنیم. ما می خواهیم و میتوانیم و در این راه مردان آزادیخواه زیادی را در کنار خود داریم.

برای ابراه انداختن این حرکت، به جنبش زنان نوینی نیاز داریم.

زننده باد ۸ مارس *

سخنرانی شهناز مرتب در مراسم هشت مارس در شهر کلن آلمان



خود، محرم سازی مدارس دخترانه و وابسته کردن این مدارس به حوزه های علمیه.

تا این جا صحبت از قانونی کردن و اجرای قانون ارتجاعی و مربوط به محیط خارج از خانواده بود ولی متأسفانه این خشونت و سنتهای مذهبی در بعضی از خانواده ها نیز بر زنان اعمال میشود و از آنجائی که تن و بدن زن را ناموس و شرف مرد به حساب می آورند کوچکترین اعتراضی به این خشونتها با کتک و حتی با قتل مواجه میشود و قتلهای ناموسی نمونه های بارز این خشونتها حتی در خارج از این کشورها مثلاً در آلمان اتفاق می افتد.

امسال ۲۰۱۴ در شرایطی هشت مارس را گرامی میداریم که در این منطقه انقلابات بزرگی اتفاق افتاد و اتفاقات عظیم اجتماعی و دیدیم که چگونه مردم و در صف اول این مبارزات زنان در مقابله با جنبشهای اسلامی که میخواست به زندگیشان چنگ بیندازد و جمهوری اسلامی دیگری را در مصر و تونس مستقر کنند پاسخ محکمی دادند و ارتجاع و قوانین شریعه را به زیر کشیدند.

در ایران زنان با يك حکومت وحشی و زن ستیز و مرتجع روبرو هستند و در بسیاری از زمینه ها این حکومت را قبل از سرنگون کردن به شکست کشانده اند. زنان در ایران در عرصه حجاب و سنگسار و در عرصه روابط بین زن و مرد و موضوعاتی مثل پرده بکارت و غیره حکومت و سنتهای عقب مانده را پس رانده اند. مبارزات زنان برای آزادی و برابری در اشکال مختلفی روزانه ادامه دارد. این بروزات يك جنبش بزرگ در دفاع از حرمت زنان است.

جنبشی در اعماق جامعه، اعتماد به نفس زنان در ایران علیرغم حکومتی که آنها را میزند و آزار میدهد و انسان بحساب نمی

نخوردگان انقلاب ۵۷ هستیم و اگر غیر از این میبود الان در این مکان نمیبودیم را به خاطر داریم حمله جمهوری اسلامی با حمله به زنان شروع و ادامه پیدا کرد و خشونت و بی حقوقی کامل علیه زنان بصورت رسمی و قانونی درآمد. نمونه های این بی حقوقی قانونی را میتوان به راحتی دید: حجاب اجباری، نداشتن حق طلاق، نداشتن حق سرپرستی کودک، نداشتن حق مسافرت بدون اجازه همسر و یا پدر و غیره.

در جمهوری اسلامی اولاً بیشترین فاحش ترین تبعیضات و بی حقوقی ها در همه زمینه های زندگی اجتماعی و اقتصادی و خانوادگی و فرهنگی و ورزشی نسبت به زنان اعمال میشود و ثانیاً بی حقوقی مفرط زنان امری رسمی و قانونی است.

با سلام خدمت شما عزیزان و با تشکر از همه کسانی که امروز در برگزاری این مراسم زحمت کشیدند. از این فرصت استفاده میکنم و قبل از هر چیز ۸ مارس روز جهانی زن را به تمامی زنان در سراسر دنیا صمیمانه تبریک میگویم.

در این روز در شرایطی ما این روز را گرامی میداریم که میلیونها زن در سراسر دنیا به دلیل جنسیت تحت ستم هستند در دنیایی ما زندگی میکنیم که میلیونها زن تحت سنتها و فرهنگ ارتجاعی و مذهب تحت فشار هستند. تا کنون در برخی از کشورها به همت مبارزات و جنبشهای مترقی زنان و بخصوص جنبشهای سوسیالیستی، زنان توانستند به برخی از حقوق خود برسند. از طرف دیگر در کشورهایی در گوشه دیگری از دنیا این سنتها ی ارتجاعی و خشونت های وحشیانه به قانون تبدیل شدند و وضعیت زنان را و حقوق آنها را به عقب راندند. نمونه آشکار و عریان قانونی کردن این ارتجاع را میتوان در ایران تحت حکومت جمهوری اسلامی به وضوح دید.

زنان در تمام کشورها عملاً در موقعیتی پایینی قرار دارند. اما از این نقطه نظر ایران کشوری استثنائی است. خشونت علیه زنان همانطور که همه ما که بنوعی تاریخ شکست

مناسبت روز جهانی زن از طرف فعالین کارگری زندانی داده شد این پیامها که از سلولهای سرد زندان داده شد پیوند عمیق و امیدبخشی را به جنبشهای مترقی زن برای تحقق بخشیدن به مطالبات زنان و رسیدن به آزادی و برابری میدهد.

ما در هشت مارس مهمترین خواستهای فوری زنان را مطرح کرده ایم. در هشت مارس باید درود فرستاد و گفت زنان در ایران با زنان در مصر و تونس و غیره با جنبش آزادیخواهانه و برابری طلبانه با همه زنان و مردان آزاده باید متحد شوند و پیش بروند.*

از صفحه ۱۱

سخنرانی مینا احدی در تورنتو کانادا

جداسازی جنسیتی و حکومت اسلامی ایران رفته اند. نکته ای که بنظر من وجود دارد این است که باید تمام مدافعین حقوق زنان و تمام کسانی که مخالف جمهوری اسلامی هستند و تمام سرنگونی طلبان این مبارزه را ببینند و تقویتش کنند. خطاب به خود زنان ایران باید گفت جمهوری اسلامی را باید نابود کرد و باید همه به خیابان ها آمد و حکومت اسلامی را سرنگون کرد. بعد میتوانیم نفس راحتی بکشیم. بعد زن در ایران میتواند و موهایش را رها کند به باد بدهد.

در عین حال واضح است تا زمانی که جمهوری اسلامی وجود دارد این بحثهای نوع شیرین عبادی هم وجود دارد. نکته محوری در ایران وجود دو زندگی متفاوت در جامعه است. بالاتیها (سیاهی، تباهی، ضدیت با زن، اسلام، مذهب خدا را نمایندگی میکنند) و پائینیها (آزادمنشی، آزادی، رابطه برابر بین انسانها، بخصوص زنها آزادی و برابری را نمایندگی میکنند) و این مبارزه را باید در دنیا مطرح کرد و از این مبارزه باید دفاع کرد و اجازه بدهید دوباره درود بفرستم به زنان در ایران، زنده باد جنبش آزادیخواهانه در ایران*

آورد بسیار زیاد است. زنان در ایران ابدا در نقش قربانی ظاهر نمیشوند آنها چالش می کنند با رژیم و با اخلاقیات و فرهنگ زن ستیز اسلامی. نگاه کنید به تعداد دانشجویان دختر، به ورزش زنان و غیره و غیره. از طرف دیگر الان ما میبینیم که دفاع و مبارزه برای آزادی و برابری و آزادی زن فقط مربوط به زنان نیست زمانی متأسفانه حتی از طرف کسانی که خود را چپ و آزادیخواه میخواندند مسئله زنان و مشکلاتشان ربطی به آنها نداشت چونکه کارگر نبودند! در حالیکه در این دوره و در همین چند روز پیش پیامهای تبریک به

آخوندهای اسلامی، وظیفه همه ما است که این جنبش را در تمام دنیا مطرح کنیم. باید مهر پیروزی بر مبارزات زنان در ایران را به همگان نشان بدهیم. برگ پیروزی این مبارزات میلیونی بودن آنست و میدانید نقطه ضعفش چیست؟ همینکه در دنیا مطرح نمیشود. برای این است یکسری از طرفدارهای جمهوری اسلامی، اصلاح طلبها و یکسری که حائل شده اند بین این جنبش عظیم که علیه مذهب اسلام و جمهوری اسلامی همیشه، مثل خانم عبادی، میگویند اسلام با حقوق زنان مغایرتی ندارد. پس باید خیلی بیشتر از اینها مطرح کنیم و بگوییم اسلام صد در صد مغایر حقوق زنان است. میلیونها زن در ایران مهر باطل زده اند بر دخالت مذهب اسلام در زندگیشان، در رختخواب و سکشان، بر ذهن و روح و روانشان. با این حال آخوندهای مونث هنوز مدعی هستند که اسلام با حقوق زن منافات ندارد.

من آمده ام اینجا بگویم مواعنی در مقابل جنبش آزادی زن در ایران هست. از نظر من زنان ایران کار خودشان را انجام داده اند. مبارزات میلیونی خودشان را در خیابان انجام داده اند بجنگ مذهب، اسلام، پرده بکارت،

گزارش جلسه کمیته بین المللی علیه اعدام در تورنتو

آزادی زن ملاک آزادی جامعه است



کودکان.
۴- برسمیت شناسی حق زنان برای شرکت در همه رشته های ورزشی و حضور در استادیومهای ورزشی.
۵- رفع محدودیت زنان در انتخاب رشته های مختلف تحصیلی و دانشگاهی.
۶- لغو طرح محرم سازی مدارس دخترانه و وابسته کردن مدارس به حوزه های علمیه.
۷- ممنوعیت صیغه و تعدد زوجات.
۸- آزادی کامل و بدون قید و شرط زنان در انتخاب همسر و شریک زندگی خود.
۹- حق برابر و بیقید و شرط جدائی (طلاق) برای زن و مرد.
برابری کامل حقوق و وظایف زن و مرد در امر تکفل و سرپرستی فرزندان پس از جدایی.

زنان در تمام کشورها عملاً در موقعیتی فرودست قرار دارند. اما از این نقطه نظر ایران کشوری استثنائی است. در جمهوری اسلامی اولاً بیشترین و فاحش ترین تبعیضات و بی حقوقی ها در همه زمینه های زندگی اجتماعی و اقتصادی و خانوادگی و فرهنگی و ورزشی نسبت به زنان اعمال میشود و ثانیاً بی حقوقی مفرط زنان امری رسمی و قانونی است. ما امضا کنندگان این بیانیه خواهان لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان هستیم و مفاد زیر را بعنوان فوری ترین و میرم ترین مطالبات برای رفع تبعیض جنسیتی اعلام می داریم:

مطالبات فوری برای رفع تبعیض جنسیتی در ایران به مناسبت ۸ مارس ۲۰۱۴

۱۰- لغو فوری قانون ازدواج پدر با فرزند خوانده.
۱۱- لغو فوری "طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده" که تعرضی است جدی به شرایط زندگی زنان و هدفش پس راندن بیشتر زنان از همه عرصه های اجتماعی است.
۱۲- دستمزد برابر در ازای کار مشابه. برابری کامل زن و مرد در زمینه اقتصادی و اشتغال. شمول یکسان قوانین کار و بیمه های اجتماعی بر زن و مرد بدون هیچ نوع تبعیض. پرداخت بیمه بیکاری مکفی برای همه زنان و مردان آماده بکار.

۱- لغو هر نوع جداسازی جنسیتی در محیط کار و تحصیل و ورزش و تفریح و وسائل نقلیه عمومی و اجتماعات و اماکن عمومی.
۲- لغو کلیه قوانینی که حقوق مدنی زنان (نظیر حق مسافرت، معاشرت، شرکت در فعالیتهای اجتماعی و غیره) را به کسب اجازه از شوهر، پدر، و یا سایر مردان خانواده مشروط میکند.
۳- لغو حجاب اجباری زنان و به رسمیت شناسی کامل آزادی پوشش. ممنوعیت حجاب

بخش پایانی جلسه انتخابات برای رهبری کمیته در سطح کانادا بود، که از میان داوطلبین سحر تیام، بیژن فتحی و یدی محمودی برای رهبری دور آتی کمیته بین المللی علیه اعدام در کانادا انتخاب شدند.
در اولین نشست کمیته منتخب در تاریخ ۱۳ مارس ۲۰۱۴ سحر تیام به عنوان سخنگوی کمیته انتخاب شد.

کمیته بین المللی علیه اعدام -
کانادا
۱۳ مارس ۲۰۱۴

دارد که باید برای گسترش آن فعالیت کرد. بعد از صحبت های مینا احدی حاضرین در جلسه هر یک به جنبه هایی از فعالیتهای کمیته علیه اعدام و همچنین دورنمای فعالیتهای آتی این کمیته در کانادا پرداختند و راهکارها و نکات مهمی را برای پیشبرد بهتر فعالیتهای کمیته مطرح کردند. همچنین اکثر حاضرین و اعضای شرکت کننده در جلسه برای دور جدیدی از فعالیتهای علیه اعدام در ایران اعلام آمادگی کردند و چند نفر از حاضرین نیز به کمیته بین المللی علیه اعدام پیوستند.

روز یکشنبه نهم ماه مارس اولین جلسه اعضای کمیته بین المللی علیه اعدام در تورنتو با حضور مینا احدی سخنگو و بنیان گزار کمیته بین المللی علیه اعدام برگزار شد.
در این جلسه ابتدا مینا احدی در باره چگونگی شکل گیری کمیته بین المللی علیه اعدام و فعالیتهای آن صحبت کرد. مینا احدی در قسمتی از سخنان خود گفت: ما به محکومین اعدام بی نام و نشان چهره دادیم و آنها را به جامعه معرفی کردیم. در ایران یک جنبش گسترده علیه اعدام وجود

حزب کمونیست کارگری حزب کسانی است که میخواهند جامعه و دنیای بهتری بسازند!

حزب کسانی که حاکمیت یک اقلیت مفتخور و بی خاصیت یعنی طبقه سرمایه دار را غیر عادلانه و ضد انسانی میدانند!

این حزب حزب کارگران و مردمی است که مصممند به دیکتاتوری و بهره کشی سرمایه داران از تولید کنندگان ثروتهای اجتماعی برای همیشه پایان دهند. حزب انقلاب انسانی برای جامعه ای برابر و انسانی!

به حزب کمونیست کارگری بپیوندید!

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

تلفن تماس با حزب از ایران
شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

حکم شلاق یک عضو کانون صنفی معلمان از سوی شعبه اجرای احکام دادگستری استان کردستان در شهر سنندج اجرا شد



اینگونه و با فرهنگ لمپنیزم اسلامی با شلاق زدن فعال کارگری، فعال جنبش زنان و فعالین صنفی معلمان اقدام به تحقیر و توهین به حرمت و کرامت انسانی آنان می کنند. دستگاههای رژیم اسلامی بارها با رفتارهای شنیعی از این دست فعالین عرصه های مختلف اجتماعی را تحقیر و مورد اذیت و آزار قرار داده اند. حرکت توهین آمیز ماموران و دادگاه رژیم در شهر سنندج اوج بی حرمتی حکومت اسلامی به معلمان در جامعه است. این رفتار شنیع و این لمپنیزم اسلامی باید از سوی هر انسان آزاده ای محکوم شود و مورد اعتراض قرار گیرد.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری این رفتارهای کریه و بغایت ضد انسانی توهین و تحقیر اسلامی را محکوم می کند. این رفتار و اعمال توهین و تحقیر سیستم اسلامی باید در هر جا مورد اعتراض شدید و تند مردم مبارز قرار بگیرد. این تلاشها از سوی دادگاه و ماموران رژیم در سنندج و شهرهای دیگر، ناشی از ته کشیدن ترفندهای شکست

بنا به اخبار منتشر شده روز پنجشنبه ۱۵ اسفند به پیمان نودینیان عضو هیات مدیره انجمن صنفی معلمان کردستان در شعبه اجرای احکام دادگستری سنندج ۲۰ ضربه شلاق زدند. پیمان نودینیان از سوی دستگاه قضایی حکومت اسلامی ایران به "توهین به مأمور دولت در حین انجام وظیفه" متهم گردید و شعبه ۱۰۵ دادگاه انقلاب سنندج برای وی زندان تعلیقی و شلاق صادر کرد. پیمان نودینیان، از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۷ به همراه مختار اسدی فعال فرهنگی به استان زنجان تبعید شده بود. پیمان نودینیان تیرماه سال ۱۳۹۱ به همراه ۱۰ معلم دیگر و از اعضای انجمن صنفی معلمان کردستان به شعبه ۵ دادگاه شهر سنندج احضار شده بودند. پیشتر نیز این فعالین در تابستان ۱۳۹۰ توسط مراکز امنیتی تحت بازجویی قرار گرفته بودند. همچنین وزارت اطلاعات مانع از حضور پیمان نودینیان در جلسه امتحانات کارشناسی ارشد زبان و ادبیات شده بود. این اولین بار نیست که نهادها و ماموران سرکوبگر جمهوری اسلامی

خورده و ضد انسانی این حکومت علیه مردمی است که برای سرنگونی اش دارند خود را آماده می کنند.
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

ایران
۱۶ اسفند ۱۳۹۲، ۷ مارس ۲۰۱۴
همکاران پیمان نودینیان اجرای حکم شلاق او را محکوم و با دادن دسته گل از شهامت و استقامت او تقدیر کردند.

از اعتراض کارگران پتروشیمی تبریز برای افزایش دستمزدها حمایت کنیم!

اطلاعیه کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری

رژیم جمهوری اسلامی در اسفند ماه امسال نیز بمانند سالهای گذشته با کش دادن موضوع تعیین حداقل دستمزد به اواخر سال و وصل کردن آن به تعطیلات نوروزی، تلاش دارد که با افزایش حداکثر ۲۰ درصدی دستمزدها، با خواست واقعی کارگران برای افزایش حداقل دستمزد به ۲ میلیون تومان در قدم اول مقابله کرده و از منظر خود به این معضل کارگری خاتمه دهد.

کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران، از خواست برحق کارگران پتروشیمی تبریز برای افزایش حداقل دستمزد حمایت کرده و کارگران سایر مراکز کار و کارخانجات در آذربایجان و سایر نقاط ایران را فرامیخواند که از این اقدام کارگران پتروشیمی تبریز حمایت کرده و با امضا طومارهای اعتراضی و

۸۰۰ کارگر پتروشیمی تبریز در اعتراض به دستمزد پایین و برای افزایش حداقل حقوق کارگران اقدام به تنظیم طومار اعتراضی کرده اند. کارگران پتروشیمی تبریز مانند سایر کارگران ایران، در دفاع از معیشت خود و برای افزایش حداقل دستمزد به میزانی که قادر به تامین زندگی انسانی باشد مبارزه میکنند. قبل از اقدام کارگران پتروشیمی تبریز، کارگران پتروشیمی های خوارزمی و بسیاری در ماهشهر در ماههای گذشته اقدام به برافراشتن پرچم حداقل دو میلیون تومان دستمزد ماهانه کرده و خواستار حمایت سایر کارگران ایران از این خواست برحق شدند. این حرکت کارگران تبریز در چهارچوب یک حرکت کارگری سراسری ایران برای افزایش حداقل دستمزد میباشد.

سایر اشکال اعتراضی برای افزایش حداقل دستمزدها به این اعتراضات پیوندند.
تنها راه دستیابی به حقوق حقه کارگران اتحاد و یکپارچگی کارگران سراسر ایران در مبارزه شان است.

زنده باد اتحاد کارگری برای افزایش دستمزدها
کمیته آذربایجان حزب کمونیست کارگری ایران
۲۱ اسفند ۱۳۹۲ - ۱۱ مارس ۲۰۱۴

آزادی کامل و بی قید و شرط انتقاد و نقد. آزادی انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و ایدئولوژیک جامعه. لغو هر نوع ارجاع به قوانین به باصطلاح مقدسات ملی و میهنی و مذهبی و غیره بعنوان عامل محدود کننده آزادی نقد و اظهار نظر مردم. ممنوعیت هر نوع تحریکات و تهدیدات مذهبی و ملی و غیره علیه بیان آزادانه نظرات افراد.

از برنامه حزب کمونیست کارگری بخش "حقوق و آزادی های فردی و مدنی"

نامه اعتراضی اتحادیه کارگران پست کانادا در حمایت از کارگران زندانی

اطلاعیه شماره : ۱۴۹

اتحادیه کارگران پست کانادا طی نامه ای اعتراضی به دستگیری و تعقیب فعالین کارگری در ایران خواستار آزادی فوری همه کارگران زندانی از جمله بهنام ابراهیم زاده، رضا شهابی، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، پدram نصراللهی، محمد محمدی، عبدالرضا قنبری و لغو محکومیت های صادر شده برای فعالین کارگری از جمله وفا قادری، خالد حسینی و قادر حسینی شد. این اتحادیه در بر گیرنده ۵۲ هزار عضو است. ترجمه نامه اتحادیه کارگران پست ضمیمه است.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

۱۷ اسفند ۹۲، ۸ مارس ۲۰۱۴

Shahla_daneshfar@yahoo

o.com
Bahram.Soroush@gmail.c
om
http://free-them-
now.blogspot.com

ضمیمه: ترجمه فارسی

نامه رئیس اتحادیه کارگران پست کانادا
۷ مارس ۲۰۱۴
برادران و خواهران!

از طرف ۵۲ هزار اعضای اتحادیه کارگران پست کانادا این نامه را مینویسم تا همبستگی خود را با کارگران زندانی در ایران اعلام کنم. اتحادیه کارگران پست کانادا (CUPW) به همه آنها که آزادی خود را فدا کرده اند تا برای آزادی و منزلت دیگران بجنگند صمیمانه درود میفرستد. رژیم ایران همچنان به سیاست دستگیری و تعقیب فعالین کارگری و اتحادیه ای ادامه میدهد و حقوق پایه ای آنها را پایمال میکند.

ما خواهان آزادی فوری بهنام ابراهیم زاده، رضا شهابی، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، پدram نصراللهی، محمد محمدی، عبدالرضا قنبری و همه کارگران زندانی دیگر هستیم. ما همچنین از خبر محکومیت غیابی وفا قادری، خالد حسینی و قادر حسینی به اتهامات واهی نگران هستیم زیرا خطر دستگیری و زندان آنها را نیز تهدید میکند. ما زندانی کردن این کارگران را به شدیدترین وجهی محکوم میکنیم و منظر آزادی آنها هستیم.

کارگران زندانی باید فوراً آزاد شوند
با اعلام همبستگی
دنيس لملين (Denis Lemelin)
رئيس كل اتحاديه كارگران پست کانادا

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفاً قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است:
<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین میتوانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank
کانادا:

Scotiabank Canada, ICRC

Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900

Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248

Adres: EINDHOVEN

IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America

277 G Street, Blaine, Wa 98230

phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush

Account number : 99 - 41581083

wire: ABA routing # 026009593

swift code : BOFAUS3N

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس

و از هر کشور دیگر:

England, Account nr. 45477981

sort code: 60-24-23, account holder: WPI

, Bank: NatWest branch: Wood Green

81 4779 IBAN: GB77 NWBK 6024 2345

NWBK GB 2L BIC:

سوالی دارید میتونید با شماره های زیر تماس بگیرید:

از اروپا: سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

کانادا و آمریکا: فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷

مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶

از ایران: عبدل گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

مشخصات و ساعات پخش تلویزیون کانال جدید

تلویزیون کانال جدید از شبکه "نگاه شما" در هاتبرد پخش میشود.

مشخصات "نگاه شما" به این شرح است:

فرکانس: ۱۱۲۰۰ پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰ FEC: ۵/۶

تلویزیون کانال جدید در GLWIZ نیز قابل دریافت است.

برای دریافت برنامه از طریق جی ال وایز به آدرس زیر مراجعه کنید:

Negah E Shoma

<http://www.glwiz.com/>

زیر مجموعه برنامه های فارسی

این مشخصات را به دوستان و آشنایان اطلاع دهید.

تلفن تماس: ۰۰۱۳۱۰۸۵۶۹۸۹۷

ایمیل: nctv.tamas@gmail.com

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سرمدیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود